

را توشه
فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مبلغان
بهار ۱۴۰۳ - شماره هجدهم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

معاونت فرهنگی و تبلیغی

◀ صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

◀ مدیر مسؤول:

سعید روستا آزاد

◀ سردبیر:

مصطفی آزادیان

◀ کارشناس اجرایی:

اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سید محمد اکبریان
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ عبدالکریم پاک نیا تبریزی
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی خادمی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	◀ ناصر رفیعی محمدی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سعید روستا آزاد
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ میرتقی قادری
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی نظری منفرد

ویراستار:

مرتضی غلامی

صفحه آرا:

اکبر اسماعیل پور

مسئول چاپ و نشر:

سید محمود کریمی

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس:

قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا

تلفن:

کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷

پایگاه اینترنتی:

<http://rahtoosheh.dte.ir>

پست الکترونیک:

tabligh@dte.ir

شمارگان:

۱۵ نسخه

قیمت:

۸۰۰۰۰ تومان



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می گویند: «روحانیین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جوری اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱۳۸۴/۱۱/۵

فهرست مطالب

- ۵ حقایق تاریخ پهلوی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام.
دکتر محمدحسین کاظمی
- ۱۷..... جریان تقابل حق و باطل در اندیشه امام خمینی علیه السلام.
دکتر رضا صابری / حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی
- ۲۹..... برخورد تمدن اسلام و غرب از نگاه امام خمینی علیه السلام.
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی
- ۴۱..... بازخوانی دیدگاه امام خمینی علیه السلام درباره جمعیت و فرزندآوری.
صالح قاسمی
- ۴۷..... اختیاری و اجباری بودن حجاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام.
محمدکاظم کریمی
- ۵۷..... عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام.
دکتر محمد علینی / عباس علینی
- ۷۱..... خاستگاه مقاومت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام.
حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
- ۸۷..... مبانی سیاسی امام خمینی علیه السلام از دیدگاه مقام معظم رهبری دامنه الله.
حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی

حقایق تاریخ پهلوی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

دکتر محمدحسین کاظمی *

مقدمه

امام خمینی علیه السلام بیان وقایع و سرگذشت ملت را ضروری می‌دانست و باور داشت همواره در هر عصری باید تاریخ‌نگاران و مورخان امین، تجربه‌ها و داده‌های تاریخی آن دوران را بیان کنند؛ زیرا اگر تاریخ به درستی ثبت نشود یا ناقص ثبت شود، نسل‌های آینده در بازشناسی و بازیابی هویت و فرهنگ خود، به مشکلات فراوانی برخورد خواهند کرد؛ چنانچه فرمودند:

آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسل‌های آینده مبهم می‌باشد؛ و تاریخ، روشن‌گر نسل‌های آینده است و امروز قلم‌های مسموم درصدد تحریف واقعیات هستند، باید نویسندگان امین این قلم‌ها را بشکنند.^۱

امام راحل علیه السلام در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود معمولاً برای تبیین مطالب و پیام‌های خود از روایت‌های تاریخی استفاده می‌کردند و به مطالعه مستمر آثار تاریخی و الگوگیری و عبرت‌پذیری از آنها می‌پرداختند. ایشان بارها مسلمانان و دولت‌های اسلامی را به عبرت‌گرفتن از تجربه‌های عصر استعمار و انحطاط و نیز سقوط سلطنت پهلوی فرا می‌خواندند:

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می‌کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که ... مردم و مسلمین به قوت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است.^۲

امام خمینی علیه السلام همچنین اهتمام ویژه‌ای به سرگذشت مردم و کشور در عصر پهلوی داشت و در

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکتری تاریخ اسلام.

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۳۴.

۲. همان، ج ۷، ص ۶۷.

مناسبت‌های مختلف می‌کوشید گوشه‌هایی از آن دوران را برای مردم بیان کند؛ اما هدف ایشان از بیان وقایع آن دوران تنها ذکر سرگذشت کشور نبود، بلکه در نظر داشت مصیبت‌های آن دوران را برای مردم بیان کند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «ما در طول پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی مصیبت‌هایی دیدیم، ما دیدیم و شما بعضی‌تان شنیدید»^۱ تا به این ترتیب برای کسانی که مسائل آن دوران را از یاد برده‌اند، یادآوری شود^۲ و جوانان نیز تصور درستی از آن دوران به دست بیاورند. از سوی دیگر وقایع دوران پهلوی به مثابه یک تجربه زیسته برای امام خمینی علیه السلام بود که بیان آن به تقویت حافظه جمعی مردم کمک می‌کرد. ایشان در این باره فرمودند:

شما می‌دانید که در ظرف پنجاه و چند سال در ایران چه گذشت. مسلماً همه شما شاهد بودید، از باب اینکه جوان هستید اغلب؛ لکن من از همان زمان، از کودتای رضاخان تا امروز، شاهد همه مسائل بوده‌ام.^۳

۱. تأسیس حکومت پهلوی با کودتا

یکی از مهم‌ترین مسائلی که امام خمینی علیه السلام در روایت خود از دوران پهلوی به آن توجه داشت، شیوه تأسیس حکومت پهلوی بود. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی با اشاره به کودتای منجر به قدرت‌رسیدن رضاخان و نقش نداشتن مردم در آن فرمودند:

اول که رضاخان آمد روی کار، با کودتا آمد و تهران را گرفت و همه کارهایی که رضاخان کرد، کارهای سرنیزه‌ای بود. اصلاً به ملت کسی اعتنا نداشت؛ چنانچه حالا هم به ملت اینها [پهلوی دوم] اعتنا ندارند.^۴

رهبر کبیر انقلاب علیه السلام مجلسی را که رأی به خلع حکومت قاجار و تأسیس سلطنت پهلوی داد، مجلسی ساخته شده از زور و غلبه رضاخان می‌دانست که برای همین کار تعیین شده بود؛ نه مجلسی برخاسته از آرا و اراده مردم که منافع ملت را در نظر بگیرد. ایشان در این باره فرمود:

با سرنیزه مجلس درست کرد. این مجلسی که او درست کرد، برای اینکه خلع قاجاریه را بکند و خودش به سلطنت برسد، یک مجلسی نبود که به مردم ارتباط داشته باشد.

۱. همان، ج ۱۸، ص ۳۱۹.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۹۲-۲۹۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۴۹.

۴. همان، ج ۵، ص ۶۱.

مردم اطلاعی از آن نداشتند، کاری به آن نداشتند.^۱ ایشان همچنین به سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی را تحمیلی از سوی متفقین معرفی می‌کنند؛ زیرا مردم به علت رفتار سوء رضاخان حاضر به پذیرش پسرش در جایگاه شاه نبودند؛^۲ اما متفقین پس از اشغال ایران در انتهای جنگ جهانی دوم و تبعید رضاخان از کشور با استفاده از قدرت خود موفق به این کار شدند.

۲. تظاهر به دین‌داری و وطن‌دوستی

امام خمینی علیه السلام به رفتار متظاهرانه شاهان پهلوی حساس بود و در سخنان خود برای مردم این تظاهرها و انواع آن را روشن کرد. در بیان ایشان تظاهر رضاخان بیشتر حول مسائل مذهبی بود و به دوران قبل از سلطنت اختصاص داشت.^۳

رضاخان اولی که وارد شد، البته با صورت اسلامی وارد شد و در مجالس تعزیه‌داری و در مجالس روضه و در تکیه‌ها در ماه محرم راه می‌افتاد دور و تکیه‌ها هم می‌رفت؛ ابتدا این طوری، با این اسلحه پیش آمد. بعد از اینکه قدرتش محکم شد و توانا شد، شروع کرد به کارهایی که مأمور بود.^۴

در نگاه امام علیه السلام، رفتار متظاهرانه در دوران پهلوی دوم نیز ادامه داشت و محمدرضا پهلوی کوشید با انجام برخی از امور مذهبی مانند نماز، چاپ قرآن، حج و زیارت سیمایی مذهبی از خود نشان دهد^۵ تا رفتارش در نظر مردم رنگ‌وبوی اسلامی پیدا کند. امام خمینی علیه السلام پس از دریافت این رویکرد دستگاه پهلوی، آن را این‌گونه به آگاهی مردم می‌رساند: «لکن رضاخان دیگر خودش را نمی‌چسباند به اسلام و به قرآن و به احکام مبین اسلام؛ دیگر ریاکاری نمی‌کرد. سرنیزه بود و می‌زد و می‌رفت».^۶

رهبر کبیر امت علیه السلام ادعای وطن‌دوستی و خدمت‌رسانی سلطنت پهلوی به کشور را که در قالب چاپ کتاب مأموریت برای وطنم (۱۳۴۹ ش) تبلیغ می‌شد را از نظر مردم مردود

۱. همان، ج ۴، ص ۲۰۵.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۳.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۰.

۶. همان، ج ۳، ص ۴۹۰.

می دانست:

هیاهو، به اینکه من مامور خدمت به وطنم هستم و کتاب مأموریت برای وطنم را نوشت و آن همه هیاهو راجع به ترقیات ملت و ترقیات اینها، خب مردم هم می دیدند که همه آن غلط است.^۱

امام خمینی علیه السلام تنها به بیان این تظاهر بسنده نمی کرد و درصدد بیان علت این تظاهر بود؛ زیرا می دانست حکومت پهلوی تا زمانی که نیاز داشته باشد، به فریب افکار عمومی جامعه می پردازد. ایشان این سیاست دستگاه سلطنت را این گونه بیان فرمود: «و از این مسائل می خواست مردم را گول بزند. و گاهی هم یک دسته ای را گول می زد. کم کم دیگر خودش را محتاج به گول زدن نمی دید، شروع کرد به اعمال قدرت کردن».^۲

۳. دیکتاتوری حکومت پهلوی

امام خمینی علیه السلام سلطنت پهلوی در ایران را حکومتی قانونی نمی دید که در آن وکلای مردم در انتخاباتی صحیح به مجلس راه یابند و بر اساس قوانین به اداره امور کشور بپردازند، بلکه ایشان برگزاری انتخابات و تأسیس مجالس را امری در کنترل عوامل حکومت می دانست که در آن جز مواردی اندک، وکلا توسط حکومت تعیین می شدند و به همین علت قانونی بودن مجلس و مصوبات آن را نپذیرفته بود و فرمود:

تمام قوانینی که در این پنجاه سال گذشته است و تمام مجالسی که در این پنجاه سال تأسیس شده است، هیچ یک از اینها مطابق قوانین نبوده است. هیچ مجلسی تا کنون ما نداشتیم که موافق قوانین باشد... آرا را شبها درست می کردند و پر می کردند این صندوقها را از آرای آنی را که دلشان می خواست. یک مجلسی که همه وکلای آن ملی باشند و در مقدرات مملکت ما بخواهند دخالت کنند و مصالح و مفاسد را تشخیص بدهند، ما نداشتیم از اول.^۳

افزون بر اینکه مردم دخالت چندانی در امور مجلس و حکومت نداشتند، مجاللی نیز برای بیان سخنان خود در فضای جامعه نمی یافتند تا بتوانند دیدگاهها و انتقادهای خود را بیان کنند و اگر

۱. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۵.

۲. همان.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۱۶.

حقایق تاریخ پهلوی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام ■ ۹

کسی جرئت انتقاد پیدا می‌کرد، متحمل فشارهایی مانند زندان و شکنجه می‌شد^۱ و این مسئله برای تمام اقشار جامعه یکسان بود.^۲ امام امت علیه السلام بارها وضعیت اختناق و عدم آزادی عصر پهلوی را برای مردم بیان فرمود:

ما و شما همه دیدید که در زمان این پدر و پسر آن اختناق بود که شاید در طول تاریخ ایران سابقه نداشت. نه مرد آزاد بود، و نه زن. همه در اختناق بودند؛ همه در رنج بودند.^۳

فضای اختناق تنها به بازداشت و شکنجه مخالفان و منتقدان خلاصه نمی‌شد و در مواقعی ارتش، شهربانی و ژاندارمری برخلاف وظیفه ذاتی خود که حفظ نظم و آرامش جامعه و برقراری امنیت مردم بود، دست به سرکوب و کشتار مردم می‌زد.^۴ امام علیه السلام رفتار حکومت در قبال مردم را این‌گونه بیان فرمود: «ما که سمنان به کهولت رسیده است، مُشاهد این سیاه‌بختی‌های مردم و این جنایات و این کشتارهایی که این قداره‌دارهای غیر صالح انجام دادند [بودیم]».^۵

۴. مقابله با دین

امام خمینی علیه السلام در جایگاه عالمی دینی در دوران پهلوی اول و بعدها در جایگاه مرجع تقلید در عصر پهلوی دوم، بیشترین حساسیت را درباره مسائل دینی و فرهنگی عصر پهلوی مورد توجه قرار داد. ایشان مقابله با آثار دین را یکی از اهداف رضاخان می‌شمرد و در این باره فرمود:

محو آثار شریعت را می‌خواست بکنند. البته موفق نشد، اما بنا بر این بود؛ برای اینکه هر صدایی که از آن بوی اسلام می‌آمد، هر تبلیغی که از آن بوی اسلام می‌آمد، در آن بسته شده بود.^۶

بنیان‌گذار انقلاب علیه السلام معتقد بود اسلام در جامعه ایرانی باعث زنده‌بودن کشور و محرک اعتراض در برابر کج‌رفتاری‌های حکومت است و مقابله حکومت پهلوی با اسلام ریشه در همین کاربرد

۱. همان، ج ۴، ص ۱۱۵ و ص ۲۰۵-۲۰۶؛ نیز: ج ۱۱، ص ۴۵۶.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۳۱۹.

۳. همان، ج ۷، ص ۳۳۱.

۴. همان، ج ۶، ص ۵۱۲؛ نیز: ج ۱۲، ص ۴۰۱.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۹۸.

۶. همان، ص ۳۳.

اسلام در جامعه ایران دارد.^۱

ایشان به تفصیل وقایعی که نشان از رفتار غیردینی و مقابله پهلوی با مظاهر دین‌داری در جامعه بود را بیان کرد و مردم را در مورد آنها آگاه کرد که در ادامه به برخی از موارد مورد تأکید امام خمینی علیه‌السلام می‌پردازیم.

۴-۱. مقابله با سازوکار تبلیغ دین

یکی از کارهایی که حکومت پهلوی در ابتدای حکومت خود انجام داد، مقابله با سازوکار تبلیغ دین در کشور بود. گذشت که رضاخان در ابتدای مطرح‌شدن خود در ایران، با تظاهر به دین‌داری و حضور در مراسم‌های مذهبی تلاش کرد سیمایی دین‌دار از خود به جامعه معرفی کند؛ اما این روند پس از استقرار او در قدرت در جایگاه شاه ایران ادامه نداشت و مسیر دیگری در پیش گرفت و کوشید مظاهر دین‌داری در ایران را کم‌رنگ کند. او برای نیل به این مقصود، سازوکار تبلیغ دین در ایران را هدف گرفت و برگزاری مراسم‌های عزاداری برای اهل بیت علیهم‌السلام را ممنوع اعلام کرد.^۲ امام خمینی علیه‌السلام آن دوران را این‌گونه ترسیم می‌کند:

یک رشته هم‌جلوگیری از منابر و جلوگیری از روضه‌خوانی و خطابه به هر عنوان. در تمام ایران، شاید گاهی اتفاق افتاد که عاشورا یک مجلس نداشت. بعضی از اشخاصی که یک قدری مثلاً جرئت داشتند، نصف شب، آخر شب، سحر مجلس داشتند که اول اذان مثلاً تمام بشود. همه ایران را از این فیض و از اینکه حتی ذکر مصیبتی بشود، ذکر حدیثی بشود، محروم کردند.^۳

مقابله با سازوکار تبلیغ دین توسط حکومت پهلوی، تنها به ممنوعیت و محدودیت مجالس دینی خلاصه نمی‌شد و شامل فشار بر متصدیان دین در جامعه ایران نیز می‌شد که به این ترتیب روحانیت و حوزه‌های علمیه هدف این فشارها قرار می‌گرفتند. در نگاه امام خمینی علیه‌السلام فشار بر روحانیت در عصر پهلوی به‌ویژه دوران رضاخان دو علت اصلی داشت:

نخست: تا زمانی که عالمان و روحانیون در کشور آزادی عمل دارند، امکان ضربه‌زدن به دین وجود ندارد. ایشان در این باره فرمود: «برای آنها مقصد آخوند نبود؛ مقصد اسلام بود.

۱. همان، ج ۴، ص ۳۹۲.

۲. نک به: اسناد ممنوعیت عزاداری محرم در دوره پهلوی، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سندنامه شماره ۱۴.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۰.

می دیدند که تا اینها هستند، اسلام را نمی شود از بین برد؛ باید اینها را از بین برد، بعدش اسلام را از بین برد».^۱

دوم: روحانیت در دوران معاصر تبدیل به سدی در برابر ضربه های دشمنان و بیگانگان به مردم و کشور شده بودند و ضمن هشدار دادن، در برابر هر خطری واکنش نشان می دادند؛ به همین دلیل حکومت در صدد محدودیت آنها برآمد. امام خمینی علیه السلام در این باره می فرماید:

دیده بودند، لا اقل این صد سال را درست دیده بودند که هر وقت که بنا بود یک شکستی به ملت بیاید، روحانیت جلویش را می گرفت. یک شکستی به کشور بیاید، روحانیت جلویش را می گرفت.^۲

به دلیل آنکه حکومت پهلوی هدف خود از فشار بر روحانیت را به روشنی بیان نمی کرد و فشارهای خود را تحت لوای ترقی و اصلاح امور پنهان می کرد؛ امام راحل علیه السلام نیز این سخنان حکومت را تنها تبلیغات برای مخفی کردن نیت حکومت قلمداد می کرد.^۳

در راستای این فعالیت های حکومت پهلوی فشارهایی بر روحانیت و حوزه های علمیه وارد شد که از بین بردن مدارس علمیه،^۴ ممنوعیت استفاده از لباس روحانیت،^۵ محروم کردن از برخی خدمات اجتماعی^۶ و تلاش برای اختلاف افکنی میان حوزویان و دانشگاهیان از آن جمله است. در اندیشه بنیان گذار علیه السلام، وحدت بین تمام اقشار جامعه از اهمیت بالایی برخوردار بود و ایشان همواره از کلیدواژه «وحدت کلمه» استفاده می کرد و وحدت میان حوزه و دانشگاه را می توان در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ از این رو طبیعی است مسئله اختلاف افکنی میان حوزه و دانشگاه نیز با واکنش امام خمینی علیه السلام مواجه شود و این گونه به اظهار نظر بپردازد:

به ما می آمدند این طوری تزریق می کردند که اینها [دانشگاهیان] یک دسته بی دین و ریش تراش و فکلی. به شما می آمدند از آن طرف می گفتند اینها [روحانیون] یک دسته

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۴.

۳. نک به: سیدروح الله موسوی خمینی، کشف اسرار، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ همو، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۵۳.

۴. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۹۲.

۵. همان، ج ۴، ص ۳۹۲.

۶. مانند ممنوعیت استفاده روحانیان از حمل و نقل عمومی؛ نک به: سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه

امام، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

انگلیسی‌اند.^۱

۲-۴. کشف حجاب ۱۳۱۴ش

قضیه کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ شمسی اتفاق افتاد که در آن استفاده از چادر و روبنده برای زنان ممنوع شد و اگر بانویی در سطح جامعه از این حجاب استفاده می‌کرد، مأموران حکومت با اعمال خشونت حجاب او را برمی‌داشتند.^۲

امام خمینی علیه السلام این اقدام را در راستای دور کردن زنان جامعه از خدمت‌گذاری به کشور معرفی کرد تا به این ترتیب زنان از تربیت اسلامی ایرانی فرزندان خود بازمانند و نتوانند نسلی برای اداره صحیح جامعه تربیت کنند؛ امام راحل در این باره می‌فرماید:

دیدیم که قضیه کشف حجاب، قضیه‌ای نبود که اینها بخواهند برای خانم‌ها خدمت بکنند، اینها می‌خواستند که این طبقه [را] هم با زور و با فشار نابود کنند. آن مآثری که اینها دارند، آن خدمت‌هایی که این قشر می‌توانند به ملت بکنند، آن خدمت‌های ارزنده‌ای که بانوان ما عهده‌دار آن هستند، از دست‌شان گرفته بشود و نگذارند اینها آن خدمت اصیلی که باید بکنند و آن تربیت بچه‌ها، که بعدها مقدرات مملکت به دست آنهاست، اینها نگذارند که این خدمت انجام بگیرد؛ مبدا بچه‌ها در دامن اینها تقوا پیدا بکنند؛ در دامن اینها تربیت اسلامی بشوند؛ تربیت ملی بشوند.^۳

امام علیه السلام به اعتراض‌های عالمان بزرگ ایران از جمله حاج آقا حسین طباطبایی و شیخ عبدالکریم حائری به مسئله کشف حجاب می‌پرازد و بیان می‌کند اعتراض حاج آقا حسین طباطبایی منجر به حبس ایشان در حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام و سپس تبعید ایشان از ایران شد^۴ و اعتراض شیخ عبدالکریم حائری نیز با بی‌توجهی رضا خان مواجه شد.^۵ ایشان همچنین تبلیغاتی که بر علیه روحانیت در قضیه کشف حجاب شد را برای مردم بیان می‌کنند.^۶

۱. همان، ج ۱۲، ص ۲۴.

۲. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، ص ۳۱۶؛ محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۱۷۶.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۱.

۴. همان، ج ۸، ص ۴۵۸.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۶. همان، ج ۷، ص ۳۳۱.

۳-۴. برنامه‌هایی برای انحطاط نسل جوان

امام خمینی علیه السلام می‌دید که مراکز فساد در عصر پهلوی به سرعت در حال رشد و توسعه هستند تا جوانانی که نیروهای فعال جامعه و آینده‌سازان کشور هستند را از به انحراف بکشانند. ایشان با توجه به اینکه این مراکز بیش از دیگر مراکز فرهنگی مانند کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها یافت می‌شوند، به وجود آنها هشدار داد و این مسئله را از کارها و برنامه‌های حکومت پهلوی برشمرد: یک کار دیگر هم که آنها می‌کردند - کارها زیاد بود، یعنی برنامه زیاد بود - اینکه قشر جوان را، در مفاصد را به روی آنها باز کردند. در همه شهرها، خصوصاً تهران که بیشتر از همه جا مورد نظر بود، آن جاهایی که جوان اگر برود، در آن فاسد می‌شود، درهای آن باز بود به روی آنها. تبلیغات هم از همه طرف.^۱

۵. وابستگی و ناتوانی در برابر اجانب

یکی از مشکلات دوران پهلوی، وابستگی حکومت پهلوی به قدرت‌های خارجی و ناتوانی در برابر سیاست‌های آنان بود که از بین رفتن استقلال کشور را در پی داشت. امام خمینی علیه السلام از همان ابتدای فعالیت خود به استقلال و عدم وابستگی کشور حساسیت فراوانی داشت؛ به همین منظور به بیان مسائلی پرداخت که نشان‌دهنده وابستگی حکومت پهلوی به بیگانگان بود.

امام خمینی علیه السلام استقرار حکومت هر دو شاه پهلوی را با اراده بیگانگان می‌دانست که برای خدمت به آنان بر امور کشور مسلط شده بودند. از نظر ایشان رضاخان مأمور بود تا از جانب انگلستان با مؤلفه‌های قدرت ایران مبارزه کند: «تا آنکه رضاخان را برای این خدمت، یافته و او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل [قشر مذهبی، مرجعیت دینی و زنان] به پیکار سرسختانه پرداخت».^۲

رهبر کبیر انقلاب، سلطنت محمدرضا پهلوی را امری تحمیلی از سوی بیگانگان معرفی کرد و نسبت او با رئیس‌جمهور آمریکا را نسبت بچه مکتبی در برابر معلمش توصیف می‌کرد و از آن به عنوان یکی از خاطرات تلخ خود از روزگار پهلوی به یاد می‌کرد.^۳ این وابستگی در نگاه امام خمینی علیه السلام تا آنجا پیشرفته بود که دولت‌های بیگانه انگلستان،

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۹۶.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۹۳.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۲؛ نیز: ج ۱۲، ص ۴۰۱-۴۰۲.

آمریکا و شوروی در طول حکومت پهلوی لیست‌هایی از اسامی وکلا تعیین می‌کردند تا افراد مدنظرشان را به مجلس بفرستند و در عمل انتخابات مجلس در ایران را بی‌فایده کرده بودند.^۱ در نگاه امام راحل، ثمره وابستگی در قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای بیگانه روشن می‌شد که در آن منفعت فراوانی نصیب آن کشورها می‌شد و سود معقول برای کشور دربر نداشت:

«الان قراردادهایی که با این ممالک بزرگ کردند، پیش این حکومت ما محیرالعقول است که این چه جور قراردادهایی هست. می‌گویند این قراردادها جوری است که ما هر طرفش را بگیریم، ضرر دارد.^۲»

در واقع این قراردادها خدمتی به بیگانگان بود که پول نفت ایران کشور را تبدیل به پایگاه نظامی خود کرده بودند؛ اما تمام اینها به اسم خدمت به مردم معرفی می‌شد.^۳ نمود بارز این وابستگی را می‌توان در تجهیز نیروهای نظامی ایران مشاهده کرد که برای سرکوب اعتراض‌های مردمی استفاده می‌شد؛ زیرا با اتکا به قراردادهای نفتی تجهیزات فراوانی وارد ایران شده بود که حکومت از آن برای خاموش کردن صدای معترضان بهره می‌گرفت؛^۴ اما هنگامی که در شهریور ۱۳۲۰ قوای متفقین به ایران هجوم آورد، حکومت پهلوی حتی چند ساعت نیز نتوانست از ایران در برابر بیگانگان دفاع کند.^۵

۶. بیان نقش عالمان در مبارزه با استبداد پهلوی و ارائه الگو

امام خمینی علیه السلام در بیان تاریخ عصر پهلوی به اعتراض‌ها و مبارزه‌های عالمان و روحانیان با استبداد پهلوی توجه دارد^۶ و فرازهایی از کوشش‌های عالمانی چون سیدحسین طباطبایی قمی معروف به حاج آقا حسین، شیخ عبدالکریم حائری، سیدحسن مدرس، میرزا محمد کفایی معروف به آقازاده، سیدمحمدعلی انگجی و آقا نورالله نجفی در مقابله با ظلم حکومت را برای

۱. همان، ج ۵، ص ۶۱-۶۲ و ص ۳۱۷.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۹۰.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۲.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۵؛ نیز: ج ۶، ص ۵۱۲.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۴۰۱؛ نیز: ج ۱۷، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۶. همان، ج ۷، ص ۴۵.

مردم بیان می‌کند.^۱

رهبر کبیر انقلاب علیه السلام ضمن تجلیل از مبارزه‌های تمامی عالمان عصر پهلوی، توجه ویژه‌ای به شهید سیدحسن مدرس دارد و از دیدار با او غافل نمی‌شود که مصادف با اوایل قدرت‌گرفتن رضاخان است.^۲ ایشان مسائلی چون ساده‌زیستی، وارستگی، شجاعت، منطق قوی و نقش برجسته شهید مدرس در مجلس و ایستادگی او در برابر رضاخان آن هم در زمانی که هنوز کسی به صورت واقعی به شخصیت رضاخان پی نبرده بود را از نکات برجسته زندگی شهید مدرس می‌داند و آنها را برای مردم بیان می‌کند.^۳

شاید همین ویژگی‌ها سبب شده بود اندیشه سیاسی بنیان‌گذار انقلاب علیه السلام پیوند بسیار نزدیکی با بینش و اندیشه سیاسی شهید مدرس داشته باشد؛ بر همین اساس ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کارگزاران دولت، بر توجه به مشی و بینش سیاسی او سفارش و تأکید می‌کرد.^۴

امام خمینی علیه السلام پس از پیروزی انقلاب، در هفتم آذرماه ۱۳۶۴ طی حکمی چاپ تصویر شهید مدرس را بر روی اسکناس تأیید کردند که حکم بدین ترتیب است:

بسمه تعالی

سزاوار است که [بر] اولین اسکناس که در ایران به طبع می‌رسد، عکس اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. خداوند رحمت فرماید ایشان را. روح الله الموسوی الخمینی.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۴۴؛ ج ۴، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ ج ۸، ص ۲۹۴، ص ۴۵۲ و ص ۴۵۸؛ ج ۹، ص ۳۹۹؛ ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۲. محسن بهشتی سرشت، «چتر شهید مدرس روی سر همه باز بود»، ص ۱۵؛ حامد عبداللهی، «سه دیدار مهم امام خمینی با شهید مدرس»، ص ۱۱.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۴۴؛ نیز: ج ۴، ص ۳۶۹.

۴. نک به: حمید انصاری، «تکیه‌گاه حرکت سیاسی شهید مدرس مردم بود»، ص ۱۰.

کتاب‌نامه

۱. انصاری، حمید، «تکیه‌گاه حرکت سیاسی شهید مدرس مردم بود»، مجله حریم امام، ش ۲۴۴، ۱۳۹۵ ش.
۲. بهشتی سرشت، محسن، «چتر شهید مدرس روی سر همه باز بود»، مجله حریم امام، ش ۲۴۴، ۱۳۹۵ ش.
۳. پهلوی، محمدرضا، مأموریت برای وطنم، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۴۷ ش.
۴. سندنامه شماره ۱۴، اسناد ممنوعیت عزاداری محرم در دوره پهلوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۵. عبداللهی، حامد، «سه دیدار مهم امام خمینی با شهید مدرس»، مجله حریم امام، ش ۲۴۴، ۱۳۹۵ ش.
۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، چ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.
۷. _____، کشف اسرار، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۸. همایون‌کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیس، تهران: پاپیروس، ۱۳۶۶ ش.

جریان تقابل حق و باطل در اندیشه امام خمینی علیه السلام

دکتر رضا صابری *

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی **

مقدمه

هر انسانی در دفاع از جهت، مسیر، دیدگاه، روش و موضوع عمل خود، حق و باطلی را حاکم بر انتخاب خود می‌داند. تفاوت انسان‌ها در این است که حق و باطل را چه می‌دانند؟ حتی آن کس و آن رژیم می‌کند، زمین و کشور غصب می‌نماید و اقدام به نسل‌کشی می‌کند نیز پشتوانه عمل خود را حقی، گرچه غلط قرار می‌دهد. امام خمینی علیه السلام که پدیده بی‌نظیر انقلاب اسلامی را در عصر غیبت تاکنون خلق کرده است، اندیشه و عمل او می‌تواند الگو و راه‌گشای حرکت صحیح در مسیر تعالی و کمال به سوی هدف‌هایی باشد که توسط پیامبر و ائمه علیهم‌السلام تعیین و تبیین شده است. در این مقاله مبحث حق و باطل در اندیشه و عمل امام خمینی علیه السلام بررسی شده است و پایه‌های بنیادین و نمودهای تاریخی و تاریخ‌ساز و عینی آن در حد امکان تبیین خواهد شد.

۱. بنیاد جریان تقابل حق و باطل

رویکرد امام خمینی علیه السلام به موضوع حق و باطل به گونه‌ی جریانی است که پایه‌های آن را می‌توان در ریشه‌ای‌ترین بنیادهای هستی‌شناختی از جمله دو مبحث خلقت عقل و جهل و خلقت انسان بر اساس دو فطرت مخموره و محجوبه مشاهده کرد.

* عضو هیئت علمی گروه روابط عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱-۱. بر اساس خلقت عقل و جهل

امام خمینی علیه السلام «حدیث جنود عقل و جهل»^۱ را در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل تبیین کرده است. در این حدیث سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

عقل و لشکر او و جهل و لشکر او را بشناسید تا هدایت شوید. سماعه می‌گوید من گفتم: فدای شما گردم، ما چیزی را نمی‌شناسیم مگر آنچه را شما به ما بشناسانی. آن حضرت فرمود: همانا خدای تعالی عقل را آفرید - و آن اول مخلوق از عالم ارواح است - از طرف راست عرش، از نور خود و به او فرمود: روی برگردان، او روی برگردانید؛ پس فرمود: روی بیاور، او روی آورد. خدای متعال فرمود: تو را آفریده بزرگی خلق کردم و بر جمیع مخلوقات کرامت دادم. پس از آن خداوند جهل را از دریای شور و تلخ و تاریک آفرید؛ پس به او فرمود: روی برگردان، روی برگرداند. پس از آن فرمود روی آور، روی نیاورد. به او فرمود: سرپیچی کردی و او را لعنت نمود. پس از آن برای عقل هفتادوپنج لشکر قرار داد. جهل چون دید خداوند به عقل اکرام کرد و آنچه را که به او عطا فرموده بود، دید، دشمنی او را در نهاد خود گرفت و گفت ای پروردگار، او را مثل من آفریدی و تکریمش کردی و به او توانایی بخشیدی، من ضد او هستم و در مقابل او توانایی ندارم. همانند او به من نیز لشکریانی عطا کن. خداوند فرمود: آری، پس اگر بعد از آن نافرمانی کردی، تو و لشکر تو را از رحمت خود خارج می‌کنم. جهل گفت راضی شدم و خداوند همانند عقل، هفتادوپنج لشکر نیز به جهل عطا فرمود.^۲

همان‌طور که در حدیث آمده است، اساس خلقت بر دوگانه عقل و جهل قرار داده شده است که در تقابل با یکدیگر هستند و لشکریان این دو قطب نیز با هم متقابل و ضد یکدیگرند. این قطب‌بندی همچنان که حرکت انبیای الهی بر آن استوار بوده است، بر افکار و حرکت امام خمینی علیه السلام نیز حاکم بود و می‌تواند مبنایی دقیق برای تحلیل دیدگاه و مواضع ایشان قرار گیرد.

۱-۲. بر اساس نظریه دو فطرت در خلقت انسان

از دیگر مبانی بنیادین دیدگاه امام خمینی علیه السلام به مقوله حق و باطل، نظریه دو فطرت است که تجلی‌یافته عقل و جهل کلی در خلقت انسان است. ایشان در مقاله ششم از کتاب شرح جنود عقل و جهل می‌فرماید:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳، کتاب العقل والجهل، ح ۱۴.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، شرح جنود عقل و جهل، ص ۲۰.

حق تبارک و تعالی با عنایت و رحمت خود به ید قدرت خود که طینت آدم اول را مخمر فرمود، دو فطرت و جبلت به آن مرحمت فرمود: یکی اصلی و دیگری تبعی که این دو فطرت براق سیر و رفعت عروج اوست به سوی مقصد و مقصود اصلی. یکی از آن دو فطرت که اصلی است، فطرت مخموره یا فطرت عشق به کمال و خیر و سعادت مطلقه است و دیگری که فرعی و تبعی است، فطرت محجوبه به طبیعت یا فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است.^۱

در بیان و شرح امام خمینی علیه السلام بر این دو فطرت، فطرت مخموره عبارت است از خیر که وزیر عقل و مبدأ خیرات است. فطرت محجوبه به طبیعت نیز عبارت است از شر که وزیر جهل و مبدأ همه شرور است. بنابراین همان طور که در لایه بنیادین عقل و جهل، تقابل نهادینه شده است، در لایه نزدیک تر آن در وجود انسان این تقابل در قالب خیر و شر و به تعبیر امام خمینی علیه السلام فطرت مخموره و محجوبه، با توجه به جنودی که تحت اختیار این دو فطرت قرار گرفته است، ادامه پیدا می کند که بروز و تداوم آن را در اندیشه و عمل امام خمینی علیه السلام، در ادامه با عناوین نمودهای تاریخی و نیز نمودهای اجتماعی تقابل حق و باطل بررسی می کنیم.

۲. نمودهای تاریخی تقابل حق و باطل

تاریخ در ادبیات اسلامی، محصول مجموعه ای از «اراده انسان ها و جوامع انسانی»، «ولایت اولیای تاریخی» و «مشیت الهی» است. به عبارتی فلسفه تاریخ که رسالت آن تأمل درباره ماهیت تاریخ و قوانین حاکم بر تاریخ است و به نوعی دنبال کشف علیت رویدادهای تاریخی است،^۲ در پیش اسلام و به تبع آن امام خمینی علیه السلام، نه همانند نظر آگوستین قدیس، محصور در قالب تأثیر عوامل جغرافیایی و اجتماعی بر انسان و حوادث تاریخی است^۳ و نه چون ابن خلدون، نگاه تحلیلی و اجتماعی در حوادث تاریخی دارد،^۴ بلکه همان طور که در قرآن کریم بر عبرت گیری از تاریخ و رفتار گذشتگان تأکید می کند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ»،^۵ از سنن الهی در جایگاه قوانین حاکم بر تاریخ ذکر می شود: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ

۱. همان، ص ۷۹.

۲. دانشنامه دانش گستر، مدخل فلسفه تاریخ، ج ۱۲، ص ۴۳.

۳. همان.

۴. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۴۰.

۵. حشر: ۲.

لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۱.

سه مورد از عالی‌ترین نمودهای تاریخی مقابله حق و باطل عبارت‌اند از: ولایت طاغوت با ولایت الهی، جبهه سرخ عاشورا بین حق و باطل تا ظهور و تقابل نهایی حق و باطل در عصر ظهور. به این سه مسئله در ادامه پرداخته می‌شود.

ولایت طاغوت با ولایت الهی

در قرآن این تقابل دو جریان ولایی تاریخی به تصویر کشیده شده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۲. این دو جبهه در دو سوی روشن و تاریک تاریخ هر کدام در صدد توسعه حداکثری خود و نابودی طرف دیگر است. این دو جبهه در قالب دو نظام ولایی، یعنی نظام ولایت اولیای الهی و نظام ولایت طاغوت، حاکم و حاضر بر لحظه لحظه تاریخ و تلاش بی‌وقفه برای دستیابی به برقراری سیطره خود بر جوامع انسانی می‌باشند. البته نباید فراموش کرد «بر اساس فلسفه تاریخ الهی» و قرآنی، جبهه باطل هیچ‌گاه به جایی نخواهد رسید تا با تزویر و تحریف‌های خود نور حق را خاموش کند؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۳، بلکه استوانه‌های اصلی طاغوت و ظلمت، هر لحظه در خوف رسیدن وعده الهی هستند؛ و «وعده قطعی غلبه نهایی نور بر ظلمت»^۴ است. جامعه مؤمنان نیز برای توسعه کلمه حق ساکت نمی‌نشیند؛ به همین دلیل درک همه‌جانبه جبهه باطل را در دستور کار خود قرار داده‌اند و مبارزه همه‌جانبه‌ای را نیز بر همین اساس انجام می‌دهند.^۵

جبهه سرخ عاشورا بین حق و باطل تا ظهور

نهضت‌های انبیای الهی گام‌به‌گام با اولیای طاغوت در هم‌آوردی بی‌وقفه و بی‌امان ادامه یافت تا رسالت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جایگاه قله کمال برنامه هدایت بشریت عالمگیر شود و به عنوان دین

۱. فتح: ۲۳.

۲. بقره: ۲۵۲.

۳. صف: ۸.

۴. سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی و سیدمحمد مهدی میرباقری، مراقبه‌های عاشورایی، ص ۶۹.

۵. همان.

خاتم نسخه نهایی سعادت بشری باشد؛ ولی جبهه باطل پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله مسیر را چنان تحریف و حق را چنان پایمال کرد که امام حسین علیه السلام عاشورا را آفرید که دارای اثرگذاری عمیقی در شکل‌گیری و شفافیت صف‌بندی تاریخی حق و باطل است. آن حضرت بر حسب آثار ظاهری نه فقط جامعه، بلکه تاریخ را متحول کرد.^۱ آنچه سیدالشهدا علیه السلام از اهداف قیام عاشورا بیان می‌فرماید، نشان دهنده اوج درگیری باطل بنی‌امیه با حقیقت تام و تمام جبهه ولایت الهی و رسالت پیامبر خاتم است. ایشان می‌فرماید: «فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ: این گروه سنت پیامبر را از بین برده و بدعت را در دین زنده کردند».^۲

امام حسین علیه السلام در گفتگویی با فرزدق شاعر می‌فرماید:

يَا فَرَزْدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ وَأَطَهَرُوا الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ وَأَبْطَلُوا الْخُدُودَ وَشَرِبُوا الْخُمُورَ وَاسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَأَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَإِعْزَازِ شَرْعِهِ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ؛ لِيَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا:

ای فرزدق، اینان گروهی هستند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و حدود الهی را از بین بردند و باده‌ها را نوشیدند و دارایی‌های فقیران و بیچارگان را ویژه خود کردند و من از هر کس به یاری دین خداوند و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم، تا آیین خداوند پیروز باشد.^۳

همچنین آن حضرت دلیل پاسخ‌گفتن به دعوت اهل کوفه را «إِحْيَاءُ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَامَاتَةُ الْبِدْعِ: بدان امید که نشانه‌های حق زنده و بدعت‌ها نابود شود»، می‌داند.^۴

امام خمینی علیه السلام نیز در کلامی گویا و مختصر می‌فرماید: «محرم ماهی هست که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ همیشه حق بر باطل پیروز شده است».^۵

۱. همان، ص ۳۸.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶.

۳. سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹۴.

۴. سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیام‌ها، ص ۳۵۸.

۵. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۷۷.

تقابل نهایی حق و باطل در عصر ظهور

یکی دیگر از نقاط اوج درگیری حق و باطل که تقابل پایانی و مرحله غلبه مطلق حق بر باطل است، عصر ظهور امام زمان علیه السلام است. امام خمینی رحمته الله علیه به این دوره تاریخی اشاره‌ای دارد و می‌فرماید:

اگر دست‌مان می‌رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم‌ها و جرم‌ها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت.^۱

عصر ظهور زمانی است که جبهه باطل به سرکردگی ابلیس و مباشرت قدرتمندترین طاغوت‌های زمان، همه توان خود را کار می‌گیرند و هرچه تیر در ترکش دارند از کمان رها می‌کنند تا با نهایت‌رساندن ظرفیت ظلم و جور در عالم و پرکردن همه ابعاد و ذرات جهان از ستم، جلوی بندگی خدا را بگیرند. درگیری بین حق و باطل در اوج خود و با تمام ظرفیت‌های ممکن اتفاق می‌افتد؛ ولی اراده خداوند بر آن است که مؤمنان بر جایگاه عزت و پیروزی بنشینند و جریان باطل مقهور و از سریر قدرت به زیر خواهد افتاد.^۲

خداوند در آیات متعددی بر تقابل حق و باطل و غلبه ولایت الهی به دست مبارک امام زمان علیه السلام اشاره می‌کند؛ از جمله: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» در زبور [کتاب حضرت داوود پیغمبر] بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که به تحقیق و یقین زمین را بندگان صالح ما به ارث می‌برند.^۳

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت گذارده، آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم».^۴

۳. نمودهای اجتماعی تقابل حق و باطل در امتداد تاریخ حیات بشر

همان‌طور که بیان شد اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه از انسجام و نظام‌وارگی برخوردار است. اقتضای نظام‌وارگی آن است که مبتنی بر پایه‌های بنیادین نگرش امام رحمته الله علیه به حق و باطل، نمودهای تاریخی در ادامه یا مبتنی بر همان مبنای بنیادین باشد و نمودهای اجتماعی نیز گرچه ممکن است از نظر

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۵.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. انبیا: ۱۰۵.

۴. قصص: ۵.

موضوع، حائز اهمیت و دارای تأثیرهای بزرگ باشند، ولی دارای برد زمانی محدودتر، ولی در ادامه و هم‌راستا و گاه در ظرف نمودهای تاریخی تعریف می‌شوند. کلام امام خمینی علیه السلام که فرمود: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست؛ جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد»،^۱ به نتیجه مهمی اشاره دارد که نباید حوادث مانند جنگ را در ظرف خرد زمانی تحلیل کرد، بلکه تحت شمول کلان گفتمانی هستند که حاکم بر همه هستی و بین خیر و شر است.

با چنین نظم نگرش و اندیشه، در نگاه به حوادث و وقایع کوچک و بزرگ اجتماعی، حتی در تاریخ حیات بشر، یکپارچگی گفتمانی و خط سیر واحد تقابل را در دو جبهه حق و باطل می‌توان به روشنی مشاهده و رفتار آنها را تحلیل کرد. اشاره مختصر به نمودهای اجتماعی تقابل حق و باطل در طول تاریخ بشر با تأکید به نوع نگاه و برداشت امام خمینی علیه السلام از آنها می‌تواند مدعای این نوشتار را تأیید کند.

۳-۱. تقابل طواغیت با نهضت‌های انبیای الهی

در سپیده‌دم خلقت اولین انسان «آدم» در جایگاه اولین مظهر عقل و خیر در عالم ملک، دشمنی به نام «ابلیس» آشکار شد که ریشه در شر و جهل داشت.^۲ ابلیس با ایستادگی در مقابل فرمان الهی در سجده بر آدم، اولین گام را در مقابله با او و عزم جدی بر گمراه کردن آدم و فرزندانش برداشت و اینکه شیطان اظهار کرد که بر سر راه انسان‌ها کمین می‌کنم و از چهار طرف آنها را احاطه می‌کنم، نشان از دشمنی و مقابله جدی همه‌جانبه و بسیار عمیق او با انسان دارد: «ثُمَّ لَا تَبْتَئُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ».^۳

ابلیس با وسوسه آدم و حوا موجب اخراج آنها از بهشت شد و با رشد فرزندان آدم، در یکی از دو فرزند آدم نفوذ کرد و قابیل برادرش هابیل را به قتل رساند و در مقیاس فردی باطل با حق به نزاع و درگیری برخاست: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ».^۴

همچنین حضرت نوح علیه السلام با وجودی که ۹۵۰ سال شب و روز قومش را به سوی خدا دعوت کرد، قوم او نه در مقیاس فرد، بلکه در قامت یک جامعه فاسد و مشرک، در مقابل دعوت به

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

۲. بقره: ۳۴.

۳. اعراف: ۱۷.

۴. مانند: ۳۰.

توحید مقاومت کردند و همچنان بر کفر خود پافشاری نمودند: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا - فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا»^۱.

در مقیاس حکومتی، می توان از حضرت موسی علیه السلام یاد کرد که فرعون در جایگاه طاغوتی که ادعای خدایی داشت: «قَالَ لئن اتَّخَذَتِ اِلْهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ»^۲، با همه نهاد حکومتش در مقابل دعوت موسی علیه السلام مقابله کرد.^۳

با بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، ابلیس که از لحاظ تاریخی جریان حق را تثبیت شده و ماندگار تا قیامت می دید، نعره زد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «انَّ اِبْلِيسَ عَدُوَّ اللّٰهِ رَنَّ اَرْبَعَ رَنَاتٍ: يَوْمَ لُعْنٍ، وَ يَوْمَ اُهْبِطَ اِلَى الْاَرْضِ، وَ يَوْمَ بُعِثَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ يَوْمَ الْعَدِيرِ»^۴.

با توجه به اینکه نبی اکرم صلی الله علیه و آله اشرف انبیای الهی و در اوج قله کمال است، هنوز موعد نهایی نابودی ابلیس فرا نرسیده است. بایستی ابلیس در این دوره زمانی پیچیده ترین مکرهای خود را برای شکست جبهه حق یا به تأخیر انداختن پیروزی نهایی آن به کار ببرد؛ از این رو با ایجاد انحرافی که در مقوله جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله ایجاد کرد و پس از آن با به کارگیری خاندانهای بنی امیه و بنی عباس توانست از تحقق وعده الهی بر غلبه نهایی اسلام بر کفر و شرک جلوگیری کند.

۲-۳. تقابل حق و باطل در عصر غیبت

در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام، تقابل حق و باطل به گونه پیچیده تری شکل گرفته است. گرچه تا قرن ها این درگیری به طور سنتی و با شیوه های نسبتاً بسیط و با ابزارهای سخت و نرم آشکار ادامه داشت، اوج تنازع حق و باطل در عصر جدید با «رنسانس» شکل گرفت؛ نهضتی که به ظاهر در ستیز با حاکمیت کلیسا و دینداری مسیحی در اروپا به راه افتاد و خود را با سکولاریزم، با معانی اصالت امور دنیایی، عرف گرایی، تفکیک دین از سیاست و در نهایت طرد دین از ساحت حیات اجتماعی انسان معرفی کرد؛ ولی با توجه به زیرساخت ها و لوازم نظری و پیامدهای عملی آن به طور غیر آشکار، در قامت دین جدیدی ظاهر شد. به بشریت اعلام کردند دین، عامل اختلاف و جنگ ها و نزاع ها بین جوامع است و اگر بخواهیم به صلح و آرامش برسیم، باید وجه اختلاف

۱. نوح: ۵-۶.

۲. شعرا: ۲۹.

۳. نازعات: ۲۱.

۴. ابوالعباس الحمیری، قرب الاسناد، ج ۱، ص ۹.

جوامع را که دین‌داری و عقاید دینی آنهاست، محدود کنیم و از دخالت آن در سیاست و جامعه جلوگیری نماییم.

گفتند باید بر اشتراک‌های بشر که وجوه مادی هستی اعم از فلسفی، علمی، تجربی و عینی است، تمدنی فراگیر بنا کنیم و همگان با باور به مبانی و وفاداری به قوانین و اصول ارزشی معرفتی و رفتاری آن بدون اختلاف زندگی کنند. اما عمق آن را که هنوز بیشتر انسان‌ها و جوامع، به‌ویژه تحصیل‌کردگان و نخبگان که مروج و منادی آن هستند، در نیافته‌اند؛ در حقیقت دین‌سازی جدیدی بود در مقابل ادیان الهی. دینی با دارا بودن باورهای اعتقادی و معرفتی و قوانین و الزامات رفتاری و اصولاً دارای جهان‌بینی، دستگاه معرفتی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و در یک معنا دین کامل مادی در مقابل دستگاه انبیای الهی.

این سازمان تمدنی شاید بزرگ‌ترین دستاورد جریان باطل و نظم شیطنی تا کنون باشد که به دنبال حذف هرگونه خداپرستی و توحید و نفی تعالیم انبیای الهی و جایگزینی دین جدید دنیاپرستی با محوریت پرستش ماده و آثار آن و در جامعه بشری با تکیه بر انسان‌محوری و جایگزینی عقل خودبنیاد بشری به جای وحی است. امام خمینی علیه السلام در توصیف عمق دشمنی تمدن مادی با هویت الهی و اسلامی می‌فرماید:

به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند و به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقابله با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگرداند.^۱

تمدن مادی غرب افزون بر تضاد بنیادی با ادیان و مذاهب الهی، به این نتیجه رسیده است که اگر نتواند به طور کامل آنها را از میدان خارج کند، باید با استفاده از ابزارهای مادی و فکری که در اختیار دارد، از ادیان و مذاهب به نفع گسترش سلطه بی‌رقیب بر جهان استفاده کند؛ همچنان که نهاد کلیسا و صهیونیسم به عنوان ابزار سلطه استعماری تمدن غرب درآمده‌اند و هر جا که لازم بود، دین و گرایش‌های مذهبی در اختیار ایجاد کرده‌اند؛ مثل بهائیت، وهابیت، داعش و ده‌ها و صدها فرقه و مکتب فکری اعتقادی تا باورها و عقاید جوامع انسانی را تحت کنترل و مدیریت شیطنی خود داشته باشد.

دستگاه شیطنی تمدن غرب به این باور رسیده بود که در قرن بیستم به سطحی از قدرت و مهارت اندیشه‌ها و باورها رسیده است که یکپارچگی عالم را تحت یک نظام اعتقادی، فکری و

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۰.

حاکمیتی پیگیری کند؛ از این‌رو در پایان جنگ‌های جهانی خانمان‌سوز که برای تثبیت اقتدار سیاسی و نظامی این تمدن بر دنیا به راه افتاد، طرح‌های جهانی شدن، دهکده جهانی و نظم نوین جهانی طرح گردید؛ ولی انقلاب اسلامی در ایران طرح شیطنانی تمدن مادی غرب را به‌هم‌ریخت، از دین الهی و دین‌داری دفاع کرد و به حدی از قدرت و توانایی رسید که به زیربناهای فلسفی، اعتقادی و فکری و حتی حوزه‌های قدرت تمدن غرب تهاجم کرد. امام خمینی علیه‌السلام در بیان فلسفه برائت از مشرکین فرمودند:

باید دید در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک، همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند چه باید کرد.^۱

امام خمینی علیه‌السلام سرانجام با بهره‌گیری از تجارب انقلاب اسلامی و شناخت نقاط قوت و ضعف دشمن، شیوه مقابله با نظام سلطه شیطنانی غرب را ترسیم می‌کند و می‌فرماید:

ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده‌شدن احکام اسلامی برای ملت‌های در بند نیست.^۲

نتیجه انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری بنیان‌های اعتقادی، نظری و نظام سیاسی جمهوری اسلامی و سال‌ها مجاهدت و مقاومت خستگی‌ناپذیر مجاهدان راه خدا در سایه رهبری امام خمینی علیه‌السلام و اکنون امام خامنه‌ای علیه‌السلام، شکل‌گیری سازه‌ها و طرح و بنای تمدن نوین اسلامی در مقابل تمدن مادی و خداستیز غربی است. مقابله و ستیز جانانه‌ای که روزبه‌روز انقلاب اسلامی در مسیر تسخیر سنگرهای کلیدی قدرت بین ملت‌ها، و از سوی دیگر نظام سلطه کفر در حال فروپاشی از بیرون و درون است. بیداری انسانی و الهی بین بشریت و بیدارشدن وجدان جهانیان و پایداری مقاومت اسلامی، در موضوع فلسطین با محوریت انقلاب اسلامی، ان‌شاءالله زمینه‌های گرایش بشریت به منجی نهایی و ذخیره خداوند برای هدایت بشریت را فراهم می‌نماید تا پایان شب سیاه باطل و روز روشن ظهور حق و غلبه بر باطل را رقم بزنند.

۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۲. همان، ص ۳۲۵.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲. حدادعادل، غلامعلی و مصطفی میرسلیم، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، مدخل «تاریخ»، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۹.
۳. حسینی الهاشمی، سیدمنیرالدین و سیدمحمد مهدی میرباقری، مراقبه‌های عاشورایی، قم: فجر ولایت، ۱۳۸۸.
۴. الحمیری، ابوالعباس، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۵. داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیام‌ها، چ ۵، قم: نشر امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷.
۶. رامین، علی، کامران فانی و محمدعلی سادات، دانشنامه دانش گستر، مدخل «فلسفه تاریخ»، ج ۱۲، تهران: مؤسسه دانش گستر روز، ۱۳۸۹.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [بی تا].
۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود و عقل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۹. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.

برخورد تمدن اسلام و غرب از نگاه امام خمینی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی *

مقدمه

پیامبر صلی الله علیه و آله با هجرت به مدینه، تمدن اسلامی را در این شهر پایه‌گذاری کرد. پس از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله متأسفانه شرایط و فضایی فکری به وجود آمد که عمل حداکثری ناممکن شد؛ اما آموزه‌های اسلام به اندازه‌ای متعالی بود که حتی عمل حداقلی به آن توانست تمدن بزرگی را به وجود آورد.

در نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه برخورد تمدن غرب و اسلام از نگاه امام خمینی علیه السلام پرداخته می‌شود. برای پی بردن به نظر امام در برخورد تمدن غرب و اسلام باید ابتدا این دو تمدن تعریف و شرح داده شود.

فرهنگ و تمدن از واژه‌هایی هستند که قوام حکومت‌ها و مکتب‌ها بر آنهاست و هر کشوری می‌کوشد فرهنگ و تمدن خود را ارتقا بخشد و به دیگر کشورها صادر کند؛ زیرا یکی از راه‌های ارتقای فرهنگ و تمدن، اقتباس از تمدن‌های دیگر است و رشد تمدنی گاهی متکی به تمدنی است که با تمدن مادر متفاوت است.^۱

فرهنگ: این واژه پدیده‌ای است که با پیدایش انسان بر روزی زمین ظاهر شده است. فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت است از خاطرات، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی یک ملت.^۲ بنا بر نظر ایشان فرهنگ، اساس هویت

* دکتری تاریخ و تمدن اسلامی.

۱. علی‌اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۱.

۲. عبدالحسین خسروپناه، جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها، ص ۲۶.

یک جامعه است.^۱

تمدن: به معنای شهر و محل اجتماع گرفته شده است و معادل شهرآیینی و حسن معاشرت است؛^۲ بنابراین تمدن یعنی انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت. **تمدن اسلامی:** آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی و مؤلفه‌های دین اسلام از جمله اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... پایه‌های تمدن اسلامی هستند. عمل به این آموزه‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی باعث تشکیل تمدن اسلامی خواهد شد.^۳

تمدن غرب: این تمدن بر اساس مؤلفه‌های سه‌گانه اومانیزم (انسان‌محوری)، سکولاریزم (دخالته‌نداشتن دین در شئون مختلف زندگی اجتماعی انسان) و لیبرالیسم شکل گرفته است. غربی‌ها با انتقال یافته‌های تمدن اسلامی اعم از آثار علمی و فرهنگی به اروپا، آن را با مؤلفه‌های فوق بومی‌سازی کردند و در شکل جدید به دنیا عرضه نمودند. یافته‌های مسلمانان از طریق تمدن اسلامی آندلس^۴ و تاراج آثار علمی - فرهنگی مسلمانان^۵ به غرب راه پیدا کرد.

مبانی سه‌گانه فرهنگ غرب (اومانیزم - سکولاریزم و لیبرالیسم) از نظر اسلام نپذیرفتنی و در مقابل آن خدامحوری، دین و عدالت است.^۶ همین تفاوت فرهنگی - تمدنی، دو تمدنی به وجود آورده است که یکی نگاه آسمانی و دیگری نگاه زمینی دارد.

امام و تمدن

امام خمینی علیه السلام بارها در سخنرانی‌ها و نامه‌ها به واژه تمدن و مشتقات آن اشاره کرده‌اند. سخنان ایشان در مجموعه‌ای با عنوان صحیفه امام گرد آمده است که واژه «تمدن» ۱۵۲ مرتبه و واژه «متمدن» ۲۵ بار تکرار شده است.^۷

۱. امیر سیاه‌پوش و علی آقاپور، فرهنگ از منظر مقام معظم رهبری، ص ۸۶.

۲. فاطمه جان‌احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۴.

۳. مصطفی محسنی، از زبان روزگار، ص ۱۶.

۴. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۷۴۶.

۵. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۲۷.

۶. محمدتقی مصباح یزدی، جوانان، ص ۳۵.

۷. حبیب زمانی محجوب، «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، ص ۱۳۶.

از نگاه ایشان تمدن تنها در پیشرفت‌های مادی و مظاهر دینوی خلاصه نمی‌شود، بلکه از جنبه معنوی آن نیز نباید غافل شد؛ از این رو می‌فرماید:

مستشرقان تمدن را تنها در ساختمان‌های بلند، بناهای عالییه و ساختمان مدارس و مساجد و مانند اینها محدود کرده‌اند، یعنی در یک نگاه محدود و ماده‌نگر، تمدن هم عمدتاً به دستاوردهای مادی محدود می‌شود و حال آنکه در نگاه عمیقی که برخاسته از نگاهی خاص به انسان و تعامل انسان با محیط پیرامون و تعامل انسان و خداست، انسان وارسته، اخلاقی و فرهیخته نیز یک دستاورد تمدنی به حساب می‌آید.^۱

همچنین در این باره می‌فرماید:

اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به هیچ‌وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفی نداشته و ندارد و اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد.^۲

برخورد تمدن غرب و اسلام

کشورهای اسلامی، جوامع سنتی و کشورهای غرب، جوامع مدرن به شمار می‌آیند. کشورهای مدرن از جهات مختلف علمی (صنعتی - پزشکی - نظامی و ...) توانسته‌اند پیشرفت‌های قابل توجهی داشته باشند. همین امر باعث شد نگاه‌های متفاوتی در مواجهه به غرب و تمدن آن به وجود آید که سه نگاه متصور است: غرب‌زدگی، غرب‌ستیزی و دیدگاه معتدل به تمدن غرب.

الف) غرب‌زدگی

غرب‌زدگی به معنای تقلید مطلق و شیفتگی به غرب است. این گروه نگاه کامل و صددرصد به غرب و فرهنگ و تمدن آن دارند. با پیشرفت صنعت و تکنولوژی در غرب، برخی از روشنفکران در جوامع اسلامی خود را عقب‌افتاده تلقی کردند و راه برون‌رفت از این عقب‌افتادگی را در پیروی بدون چون و چرا از غرب دانستند و پیشرفت از هر نوع را در تابعیت از غرب جستجو کردند. در ایران نیز در عهد قاجار و از اواسط ناصری به نوعی وادادگی خواص را مشاهده می‌کنیم؛ از جمله تقی‌زاده قائل بود: «ایران باید ظاهراً و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس».^۳

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۷۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۰۵.

۳. مجله کاوه، ش ۳۶، ص ۴.

این رویه تا زمان پهلوی دوم ادامه یافت؛ مقام معظم رهبری علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:
یکی از شخصیت‌های سرشناس معروف می‌گفت: ایرانی، یک لوله‌نگ نمی‌تواند بسازد! - لوله‌نگ یعنی آفتابه‌گلی؛ آن زمان‌ها از گل، آفتابه درست می‌کردند. این جور این ملت را تحقیر می‌کردند.^۱

این افراد راه پیشرفت را غربی شدن دیدند که نشان‌دهنده از خودباختگی و بی‌خبری از تمدن شگرف و باشکوه خودی بود. اگر این افراد پیشینه تمدنی خود را می‌دانستند، برای احیای آن با نگاه به درون و درصدد احیای آن برمی‌آمدند، نه آنکه خود را هیچ‌پندارند و همه چیز را در غرب و غربی‌شدن خلاصه کنند و حتی اگر برای خود، خودی هم قائلند مانند محمدرضا پهلوی خود را جداشده از غرب پندارند که باید به اصل خود برگردد. علی‌اکبر حکمی‌زاده در کتابچه‌ای احکام اسلام را ارتجاعی و ناکارآمد معرفی کرد و امام خمینی علیه‌السلام با نوشتن کتاب کشف اسرار به وی پاسخ داد. ایشان با اشاره به اینکه نویسنده کتاب شخصی بی‌اطلاع از قوانین اسلام بوده است، با استناد به دلایل فراوان تأکید کرد دین اسلام ارتجاعی نیست و احکام اسلام پاسخگوی جزئی‌ترین نیازهای بشری در تمام زمان‌هاست.^۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مرتجع‌خواندن انقلابیون شدت یافت؛ در چنین شرایطی امام علیه‌السلام فرمود: «دولت اسلامی فقیراگرا نیست و با همه مظاهر تمدن موافق است، مگر آنچه که به آسایش ملت لطمه وارد آورد و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد».^۳ همچنین در کشف اسرار از کسانی که جوامع اسلامی را تحقیر و تمدن غرب را ستایش می‌کنند و آن را معیار خوبی و بدی تصور می‌نمایند، انتقاد می‌کند و این تصور را خطا می‌داند و بیان می‌دارد:

وضعیت زندگی در غرب و اروپا، سراسر آشوب و جزء بدترین زندگی‌هاست ... آنچه در اروپاست بیدادگری، دیکتاتوری، خودسری و کشورسوزی است. در آنجا عدالت رعایت نمی‌شود و میلیون‌ها انسان و از جمله زنان و کودکان بی‌گناه، با صدها هزار تن بمبی که در شهرها فرو ریخته شده، به دست هم‌کیشان خود کشته شده‌اند. فتنه‌ها و

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با بسیجیان، ۱۳۸۴/۰۹/۰۷.

<https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=25588>

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف اسرار، ص ۷-۸.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۱۸.

آشوب‌های وحشیانه در اروپا به حدی است که حتی درندگان نیز از آن بیزارند.^۱

در جای دیگری می‌فرماید:

یکی از امور دیگری هم که باز من گفته‌ام این است که ما را جوری بار آورده‌اند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سر تا پیش فرنگی مآب است، این معلوم می‌شود خیلی عالی مقام است و اگر چنانچه مثل سایر مسلمان‌هاست، این خیلی عقب‌افتاده است. عقب‌افتادگی و جلورفتن را به این می‌دانستند که فرنگی مآب باشد ... برای همین جهت ما را مصرفی بار آوردند. امثال تقی‌زاده گفته بود که ما باید سر تا پامان انگلیسی باشد یا فرنگی باشد و باید این‌طور باشیم تا اینکه آدم بشویم. آدم‌بودن را به کلاه و کفش و لباس و بزک و امثال ذلک می‌دانستند.^۲

ب) غرب‌ستیزی

غرب‌ستیزی یا غرب‌گریزی به معنای انکار و رد هر مؤلفه مرتبط با غرب است. نگاه این گروه صفر است. این گروه معمولاً مذهب‌بینی هستند که به خباثت غربی‌ها پی برده‌اند؛ اما نتوانسته‌اند تمدن غرب را به خوب و بد تقسیم کنند؛ از این‌رو نگاه‌شان به غرب کاملاً منفی است. چنین نگاهی باعث می‌شود چشم بر یافته‌های علمی مغرب‌زمین بسته شود و برای کشف یا اختراع هر پدیده‌ای مسلمانان باید خود از صفر شروع کنند؛ درحالی‌که روشن است نمی‌توان چنین نگاهی را تأیید کرد. امام علیه السلام در توجیه ذهنیت این افراد می‌فرماید:

احساس خطر آنها از گسترش فرهنگ بیگانه، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب، باعث شده است که آنها با اختراعات و دستاوردهای صنعتی تمدن غرب نیز برخورد احتیاط‌آمیز کنند. این گروه به حدی به غرب، به دلیل جنبه استعماری‌اش بدبین بودند که به هیچ جنبه‌ای از تمدن غرب اطمینان نمی‌کردند و به دستاوردهای تمدن غرب به عنوان مقدمه ورود استعمار می‌نگریستند، لذا حکم به تحریم و منع استفاده از آنها می‌دادند.^۳

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف اسرار، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۷۴.

۳. همان، ص ۹۶.

ج) دیدگاه معتدل به تمدن غرب

نگاه این گروه بین صفر و صد است و امام علیه السلام نگاه ژرف و معقولانه این نظریه را می‌پسندند. در سخنانان و سیره امام علیه السلام، نه رد کامل غرب و نه تأیید کامل آن وجود دارد، بلکه پذیرشی مشروط در مبنای کار خود قرار می‌دهند و پدیده‌های وارداتی از غرب را با ابزار دینی و معنویت می‌سنجند؛ بنابراین آنچه منافاتی با آموزه‌های دینی ندارد و ارتقای تمدنی جامعه را در پی دارد، پذیرفته می‌شود و خلاف آن رد می‌شود. این نگاه برخاسته از آموزه‌های دینی است؛ همان‌گونه که پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ».^۱ در شرح این کلام نبی اکرم صلی الله علیه و آله برخی بُعد مکانی را مطرح کرده‌اند؛ یعنی به دنبال دانش باشید، حتی اگر مجبور شدید به دورترین نقاط عالم سفر کنید و در آن زمان، چین دورترین مکانی بود که شناخته می‌شد. برخی نیز گفته‌اند این حدیث ناظر به بُعد عقیدتی است؛ یعنی دانش بجوید اگر که خاستگاه آن چین مشرک باشد؛ زیرا در آن زمان ایران و روم که مهد تمدن دنیا بودند، اهل کتاب به شمار می‌آمدند؛ اما چین از نظر عقیدتی در فاصله بیشتری با این دو کشور قرار داشت.

امام در دوگانگی صفر و صدی به تمدن غرب، راه اعتدال را پیش می‌گیرند و بیان می‌کنند: «اسلام علم و تخصص را تمجید کرده و مسلمانان را به علم‌آموزی و یادگرفتن دانش دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد اگر علم نزد کافران نیز باشد بروند و آن را یاد بگیرند».^۲ ایشان حتی قائل به تمایز است؛ تمایز بین آثار ویران‌کننده فرهنگ غرب از یک‌سو و پیشرفت‌های علمی از سوی دیگر.

ارزش‌های معنوی همچون توحید و عدالت به بالاترین حد آن در اسلام وجود داشت و چیزی نیست که مسلمانان در این‌گونه ارزش‌ها بر سر سفره غربی‌ها بنشینند؛ اما این امر سبب نمی‌شود اگر غربی‌ها داروی بیماری لاعلاجی را کشف کرده‌اند، مورد توجه ما قرار نگیرد؛ زیرا روایات و سیره بزرگان ما جز این است.

امام خمینی علیه السلام در جایگاه یک عالم و کارشناس دینی که آموزه‌های دینی را به حق درک کرده‌اند، با تمام شئون تمدن جدید مخالفت ندارد، نه نفی کامل و نه هضم‌شدن در آن، بلکه به پیشرفت‌ها توجه می‌کند و با فساد و توحش مخالف است. این همان راه اعتدالی است که تجدد و پیشرفت مادی را می‌پذیرد، اما به معنویت پشت نمی‌کند؛ بنابراین به‌صراحت در جای دیگر

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۱.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۶۷.

می فرماید:

در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن مجاز است، مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورد، فساد عفت بیاورد. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده؛ آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است.^۱

امام علیه السلام با واقع بینی برای مقابله با فرهنگ غرب، توصیه به تقویت امور معنوی دارد و بین پیشرفت و ابتدال غربی تفکیک قائل می شود و می فرماید:

اشکال در کار نیست که آنها ترقیات مادی زیادی کردند، ما این را درش اشکالی نداریم؛ لکن اشکال سر این است که ما آداب مان را هم از آنها می خواهیم بگیریم، قوانین مان را هم می خواهیم از آنها بگیریم... در صورتی که در تمدن مقدم نیستند، بلکه بسیار عقب افتاده اند. آنی که جلو هستند، این است که آلاتی درست کردند آدم کش، دنیا را به آتش می زنند... اگر تمدن این است، همه عالم باید از تمدن بیزار باشد... آن که ضامن این است که یک کشوری درست بکنند که متمدن باشد، آزادی خواه - به معنای حقیقی اش - باشد، استقلال داشته باشد - به معنای حقیقی اش - آن مکتب انسانیت است.^۲

امام خمینی علیه السلام درباره رابطه با کشورهای غربی نه طرفدار قطع رابطه است و نه مانند برخی عطش رابطه دارد، بلکه می فرماید:

چگونه باید روابط میان ایران و غرب تنظیم شود؟ ضد غرب هستید؟ خیر، ضد غرب نیستیم، ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی ریزی می نماییم. ما می خواهیم ملت ایران غرب زده نباشد و بر پایه های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام برداریم.^۳

بر اساس فرمایش امام علیه السلام، حتی اگر پیشرفت در خدمت بشر نباشد، توحش است؛ ایشان می فرماید:

این چیزهایی که در ممالک دیگر شما خیال می کنید تمدن است، وقتی که درست تأمل کنید تمدن نیست، بلکه به توحش نزدیک تر است؛ برای اینکه تمام سلاح های مدرنی

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۳.

۲. همان، ج ۹، ص ۸۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۶۰.

که درست کردند، همه برای کشتن همجنس خودشان و قتل‌عام کردن بشر است ...

تمدن صحیح در اسلام است؛ چنانچه حریت صحیح در اسلام است.^۱

شاید برخی بگویند همان‌طور که امام علیه‌السلام و جمهوری اسلامی سخن از تمدن می‌گویند، پهلوی نیز از تمدن سخن می‌گفت و به زعم خود قصد داشت دروازه تمدن را به روی ایران بگشاید؛ اما آنچه به دنبالش بود، همان نگاه آخوندزاده، تقی‌زاده و حکمی‌زاده‌ها بود. او قصد داشت به نام تمدن، درب‌های کشور را به روی تمام ویژگی‌های تمدن غربی باز کند و این به معنای حاشیه‌راندن فرهنگ اسلامی و ایرانی بود؛ از این‌رو امام علیه‌السلام با آن به مقابله پرداخت. مقابله با تمدن ادعایی پهلوی همان نقد تمدن غرب به شمار می‌آید؛ چراکه پهلوی قصد داشت همان نسخه را بدون گذراندن از صافی‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی در ایران اجرا کند. او به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی توجه نداشت یا توجه داشت و اهمیت نمی‌داد. اگرچه غربی‌ها هشیارتر از این حرف‌ها بودند و فقط فرهنگ خود را به ایران و کشورهای مشابه صادر می‌کردند؛ اما شواهد نشان می‌دهد علم و تکنولوژی را در انحصار خود نگه می‌داشتند و کشورهای جهان سوم را به بازار مصرفی خود تبدیل کرده بودند. امام در این‌باره می‌فرماید: «بازارهای کشورهای اسلامی، مرکز فروش کالاهای غربی و شرقی شده است و سیل کالاهای مبتذل و اسباب لهو و لعب و وسایل مصرفی متوجه آن شده است».^۲

به‌رحال امام علیه‌السلام، تمدن پهلوی که همان تمدن غرب بود را در جای‌جای بیانات زیر سؤال می‌برد. در ادامه به برخی از فرمایشات ایشان در این‌باره پرداخته می‌شود:

الف) «به اسم "تمدن بزرگ"، فرهنگ ما را عقب زدند و به اسم "پیشرفت"، کشاورزی ما را به کلی از بین بردند و به اسم "آزادی"، آزادی‌های تمام مطبوعات ما و مجال تبلیغاتی ما را مختصق کردند».^۳

ب) «به اسم "تمدن و ترقی"، ما را عقب بردند، فرهنگ ما را عقب راندند؛ تمام اوضاع ایران را خراب کردند».^۴

ج) «به اسم "تمدن"، جوان‌های ما را به فحشا کشیدند. به اسم "آزادی"، همه آزادی‌ها را از ما

۱. همان، ج ۸، ص ۳۰۹.

۲. علی داستانی بیرکی، رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۷۸.

۴. همان، ج ۶، ص ۶۸.

سلب کردند»^۱.

امام علیه السلام برخی از شئون سخت‌افزاری تمدن غرب را می‌پذیرد که همان پیشرفت‌های علمی است؛^۲ اما دست رد به سینه یافته‌های نرم‌افزاری فرهنگ غرب می‌زند؛ چراکه بر اساس مادی‌گرایی است و تقابل مذهب را در پی دارد. به نظر امام «کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل [مشکلات اجتماعی غرب] بر نمی‌آید. ثروت و قدرت مادی و تسخیر فضا احتیاج به ایمان و اعتقاد و اخلاق اسلامی دارد ... تا در خدمت انسان قرار گیرد»^۳.

نتیجه

زمانی که اروپاییان در توحش زندگی می‌کردند، سرزمین‌های اسلامی از علم و تمدن بسیار شکوهمندی برخوردار بودند. در دوره معاصر به دلایل متعدد تمدن اسلامی رو به افول نهاد و یافته‌های علمی و تمدنی مسلمانان تاراج و به اروپا منتقل شد و غربی‌ها تمدن جدید خود را بر اساس پایه‌های تمدن اسلامی استوار کردند. اما به جای آنکه شکرگذار باشند، کوشیدند بقایای تمدن اسلامی را نیز از بین ببرند و هرگونه حرکت تمدن‌خواهی را سرکوب نمایند.^۴ تلاش آنها بر این بود تا با علم و تکنولوژی به دست آمده فرهنگ خود را بر کشورهای دیگر غالب و جهان را به بازار فروش تولیدات خود تبدیل کنند؛ اما علم و تکنولوژی را در انحصار خود نگه دارند. از طرف دیگر تمدن آنها بدون معنویت و بر اساس مادی‌گرایی صرف بنا نهاده شده بود؛ بنابراین ترویج فرهنگ آنها در کشورهای اسلامی، افزون بر اینکه این کشورها را به بازار کالاهای آنها تبدیل می‌کرد، سبب می‌شد با فرهنگ اسلامی و ملی خود به کلی فاصله بگیرند و فرهنگ وارداتی را قبول کنند.

در این زمان و با زحمات بسیار انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام پیروز شد. امام علیه السلام در برخورد تمدن اسلام با غرب، نگاه صد و صفر را کنار گذاشت و راه اعتدال را پیش گرفت. در

۱. همان، ج ۷، ص ۳۴۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۰۸.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۴.

۴. ابراهیم ذکری و مرتضی بلیلی، «دفاع از تنگه»، ص ۹؛ امرالله کریمی، «حمله مشروع (سیلی محکم)»؛ ص ۸۳۰.

نگاه صد، خودباختگی فریاد می‌زد و غربی‌شدن صددرصدی شعار قرار گرفت؛ در نگاه صفر نیز هرچه متعلق غرب بود، گرچه اکتشاف‌ها و اختراع‌ها با دیده تردید کنار گذاشته شد؛ اما در نگاه اعتدالی تمایز بین جهات مثبت و منفی غرب سرلوحه کار قرار گرفت که امام خمینی علیه‌السلام در ایران پرچمدار آن بود. به نظر امام علیه‌السلام باید پیشرفت‌های غرب را پذیرفت و در پیشرفت معنویت از آنها سود جست.

کتاب‌نامه

۱. جان‌احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۲. خسروپناه، عبدالحسین، جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها، قم: تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۳. داستانی بیرکی، علی و مهدی سرحدی، رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام: مجموعه مقالات و رویدادهای همایش بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی علیه‌السلام، بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۷۹ ش.
۴. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صرامی و ابوالقاسم پاینده، چ ۶، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۵. ذکری، ابراهیم و مرتضی قم بلبلی، «دفاع از تنگه»، نشریه داخلی کانون کوثر، ۱۳۶۰ ش.
۶. زمانی محجوب، حبیب، «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۴، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۷. سیاه‌پوش، امیر و علی آقاپور، فرهنگ از منظر مقام معظم رهبری، تهران: شهیر، ۱۳۹۰ ش.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۵۰۸ ق)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: رضی، ۱۳۷۵ ش.
۹. کریمی، امرالله، «حمله مشروع (سیلی محکم)»، نشریه حجره، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی، چ ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۸ ش.
۱۱. مجله کاوه (ژانویه ۱۹۲۰)، چاپخانه کاویانی، ش ۳۶.
۱۲. محسنی، مصطفی، از زبان روزگار، تهران: نشر معارف، ۱۴۰۲ ش.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، جوانان، چ ۸، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.

برخورد تمدن اسلام و غرب از نگاه امام خمینی علیه السلام ■ ۳۹

۱۴. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چ ۳۲، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. مقریزی، أحمد بن علی (م ۸۴۵)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة و المتاع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیس، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، تهران: ذکر، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. _____، کشف اسرار، تهران: محمد، [بی تا].
۱۹. _____، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. ولایتی، علی‌اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، چ ۲۸، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.
21. Miron Rezun, The Soviet Union and Iran: Soviet policy in Iran from the Beginnings of the Pahlavi Dynasty until the Soviet Invasion in ۱۹۴۱

پایگاه اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۸۴/۰۹/۰۷.

بازخوانی دیدگاه امام خمینی علیه السلام درباره جمعیت و فرزندآوری

صالح قاسمی *

مقدمه

قرآن کریم، روایات و سیره عملی معصومین علیهم السلام اصلی ترین منابع کشف نظر شارع مقدس درباره تکثیر یا تحدید نسل است که با دقت علمی در آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام استنباط می شود.

از مجموع آیات، روایات و نکته‌ها استفاده می شود که شارع مقدس درباره تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته‌اند و چنین نبوده است که این اهتمام ویژه زمانی باشد که مسلمانان اندک بوده‌اند؛ زیرا تعابیر وارد شده در آیات، در جایگاه یک قضیه حقیقه^۱ و سیاست همیشگی دینی مطرح است. باید گفت مستفاد قطعی از آیات، روایات و همچنین قول و فعل و تقریر معصومین علیهم السلام این است که تکثیر نسل، طریق صحیح حفظ نسل بشر است؛ بنابراین حفظ نسل، مطلوب شارع و عقلاست، حتی نسل حیوانات و گیاهان را هم باید حفظ کرد؛ چون دارای مصالحی هستند که خداوند آنها را آفریده است، چه رسد به انسان که اشرف و اکرم مخلوقات الهی است و به طریق اولی حفظ نسل و بقای او لازم عقلی و شرعی است.

در این نوشتار ابتدا یک آیه از قرآن و سپس یک حدیث شریف را مرور می‌کنیم.

* پژوهشگر تحولات جمعیت ایران و جهان.

۱. در علم منطق اصطلاحی به نام قضیه وجود دارد که می‌گویند قضیه بر دو قسم است: قضیه خارجی و قضیه حقیقه. قضیه خارجی با وجود اینکه کلی است، از اول یک مجموعه افراد محدود و معینی را در موضوع قضیه در نظر می‌گیرند و بعد حکم را برای آن مجموعه افراد در نظر گرفته شده بیان می‌کنند. اما قضیه حقیقه حکم روی افراد نمی‌رود، بلکه روی یک عنوان کلی می‌رود؛ چون شما خاصیت را از این عنوان به دست آورده‌اید، می‌گویید «هرچه تحت این عنوان قرار بگیرد، حتماً دارای این خاصیت است».

تقدم روزی فرزندان بر والدین

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا؛ فرزندان خود را از ترس فقر مکشید؛ ما آنان و خود شما را روزی می‌دهیم. کشتن آنان خطایی بزرگ است»^۱. در حقیقت پیام آیه این است که فرزندان خود را از ترس دچار شدن به فقر و هلاکت و اینکه برای آنان تن به ذلت دهید، به قتل نرسانید؛ زیرا شما نیستید که روزی اولادتان را می‌دهید تا در هنگام فقر و تنگدستی نتوانید روزی ایشان را برسانید، بلکه ماییم که هم ایشان و هم شما را روزی می‌دهیم. این آیه، رزق فرزندان را به دست خدا می‌داند. روشن است که مسلمانان در این آیه، هم به داشتن فرزند بیشتر تشویق شده‌اند و هم از کشتن فرزندان متولدشده یا قبل از تولد نهی شده‌اند. افزون بر اینکه خداوند در این آیه، ابتدا روزی فرزندان را تضمین می‌کند و سپس روزی والدین را تعهد نموده است.

محبوب‌ترین مخلوق

پیامبر ﷺ در حدیثی بسیار گویا که نشان‌دهنده دیدگاه شارع درباره اصالت و مطلوبیت فرزندان است، می‌فرماید: «وَلَمَْوْلُودٍ مِنْ أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ یک مولود در اتم برای من محبوب‌تر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد»^۲. بدیهی است داشتن موجودی که محبوب‌ترین مخلوق است، مطلوبیت ذاتی و همیشگی دارد. در ادامه این نوشتار به دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه درباره فرزندان خواهیم پرداخت.

دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه درباره ازدیاد جمعیت و فرزندآوری

گفتنی است بازخوانی دیدگاه عالمان اعلام (کنزالله امثالهم) می‌تواند پاسخ بسیاری از ابهام‌ها در جواز یا عدم جواز سیاست‌های جمعیتی و همچنین درستی یا نادرستی دیدگاه‌های موجود در مدیریت جمعیت را روشن نماید؛ به همین دلیل در این نوشتار کوشیده شده است دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در این باره بررسی شود.

مسلمین یک میلیارد تقریباً جمعیتند. الآن یک میلیارد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند. با دارا بودن همه چیز؛ ممالک غنی وسیع. و مملکت ایران ۳۵ میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد. وسعتش آن قدر است که برای صدوپنجاه میلیون تا دویست میلیون

۱. اسراء: ۳۰-۳۱.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۳۰.

جمعیت کافی است. یعنی اگر دویست میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند. و همین‌طور ممالک دیگر وسیع‌اند. عراق وسیع است و جمعیت کمی دارد. چه وقت می‌خواهند این حکومت‌ها بیدار بشوند و دست از اغراضشان بردارند؟ و چه وقت می‌خواهند مسلمین توجه بکنند به اینکه مصالحشان چه است و دردشان چه است؟ و چه وقت باید دوا کنند این درد را؟^۱

دختر امام راحل روایت می‌کنند ایشان به دختر من که از شیطنت فرزند خود گله می‌کرد، فرمودند: «من حاضرم ثوابی را که تواز تحمل شیطنت فرزندت حسین می‌بری، با تمام ثواب عبادات خودم عوض کنم». عقیده داشتند که فرزند باید آزاد باشد تا وقتی که بزرگ می‌شود، آن وقت باید برایش حدی تعیین کنند. در مورد تربیت کودکان می‌فرمودند با بچه‌ها روراست باشید. الگوی بچه پدر و مادر هستند. اگر با او درست رفتار کنید، درست بار می‌آیند. هر حرفی را که به بچه‌ها زدید، به آن عمل کنید. در همین رابطه به همسرم گفتند: می‌دانید سربازان گمنام امام زمان^{علیه السلام} چه کسانی هستند؟ گفت: بچه‌های اطلاعات. گفتند: همین؟ کمی فکر کرد و گفت نمی‌دانم. گفتند: خانم‌های خانه‌دار که به فرزندآوری، تربیت فرزند، تدبیر منزل و پخت‌وپز مشغول‌اند، سربازان گمنام آقا امام زمان هستند. البته برای آقا گمنام نیست، مگر برای ما مردها که کارشان را نمی‌بینیم. کار و حقوق به مردان نسبت داده می‌شود و کار خانم‌ها دیده نمی‌شود، چند روزی که بیمار شوند یا به مسافرت بروند، مثل روز برای مردها و فرزندان زحمات زنان خانه‌دار مشخص می‌شود. همچنین در این باره می‌فرمایند: «دامن مادر، بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن تربیت می‌شود. آنچه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود».^۲

گاهی هم که اطرافیان به شوخی به امام راحل^{علیه السلام} می‌گفتند چرا زن باید در خانه بماند؟ امام^{علیه السلام} جواب می‌دادند:

خانه را دست‌کم نگیرید. تولد و تربیت بچه‌ها کم نیست. اگر کسی بتواند فردی را پرورش دهد، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. عاطفه در زن قوی‌تر است و قوام و دوام خانواده بر اساس محبت شکل می‌گیرد. مادرها باید توجه به این معنا کنند که بچه‌هایشان را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند. دامن‌هایشان یک مدرسه علمی و

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۹۳.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۹۴.

ایمانی باشد»^۱.

در ادامه لازم است درباره دیدگاه امام خمینی علیه السلام در برنامه کنترل جمعیت در دهه شصت که محل مناقشه نیز می‌باشد، مواردی را مرور کنیم.

دیدگاه امام خمینی علیه السلام درباره برنامه کنترل جمعیت

سیدعلیرضا مرندی، یکی از اصلی‌ترین متولیان سیاست کنترل جمعیت و قانون تنظیم خانواده در دهه شصت و هفتاد است. وی در دوره وزارت خود در وزارت بهداشت با تغییر سیاست‌های گذشته، شیوه‌های کنترل جمعیت را در پیش گرفت و از آن به بعد فضای عمومی کشور و نظام بهداشتی به سمت تحقق شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر گرایش پیدا کرد.

ایشان در روایت از آن روزها می‌گوید: در آن زمان نگرانی در مورد این مسائل برایم احساس مسئولیت ایجاد می‌کرد، این نگرانی را در دولت مطرح کردم. من در آن زمان محافظه‌کار نبودم و هنوز هم نیستم. اگر چیزی از نظر من درست باشد، باید عنوان کنم. لازم ندیدم مصاحبه کنم و هیچ‌گاه هم این کار را انجام ندادم؛ اما با یک‌یک مسئولان صحبت کردم، با یک‌یک سران سه قوه بحث کردم، با آقای منتظری صحبت کردم و به عبارتی با هر کسی که می‌توانست در این کار نقش داشته باشد، صحبت کردم. در نهایت خدمت حضرت امام علیه السلام از نگرانی‌های خود نوشتم و حضرت امام راحل پاسخ دادند: مطلب مهمی است و باید در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها مطرح شود و مورد بررسی دقیق قرار گیرد. این امر با مجوز حضرت امام علیه السلام بود. افراد مخالف بسیار نادر بودند. وقتی طرح گفته شد، افراد بسیاری بر اهمیت کار صحه گذاشتند. امکان دارد الان افرادی اظهار مخالفت کنند؛ اما در آن زمان مخالف اجرای طرح کنترل جمعیت نبودند. همه نگران بودند که تنظیم خانواده کار خلاف شرع است و نمی‌خواستند ورود پیدا کنند. نگرانی همه از بعد شرعی بود. وقتی حضرت امام علیه السلام ابراز داشتند این مطلب قابل بحث و بررسی است، نگرانی‌ها از لحاظ غیرشرعی بودن برطرف شد و لذا قبل از قانونی شدن آن، متولیان امر تنظیم خانواده را شروع کردند. الان که منحنی‌های رشد جمعیت را بررسی می‌کنید، می‌بینید که خیلی پیش‌تر از اینکه قانون در مجلس تصویب شود، رشد جمعیت شروع به کاهش کرده بود؛ چراکه مردم تنها نگران نظر حضرت امام علیه السلام در مورد حرمت تنظیم خانواده بودند.^۲

۱. مصطفی زمانی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام، ص ۹۸.

۲. پرتال امام خمینی علیه السلام، گفتگو با دکتر مرندی درباره تنظیم خانواده.

همان‌طور که بیان شد، دکتر مرنندی در جایگاه متولی اصلی اجرای کنترل جمعیت، مجوزی از طرف امام راحل نداشته‌اند و جواز بررسی از طرف امام راحل^{ره} را حمل بر موافقت حضرت امام دانسته‌اند و اندکی پس از رحلت امام^{ره}، حتی پیش از تصویب قانون، کنترل جمعیت را آغاز نموده و اجرایی نمودند.

در ادامه برای کشف دیدگاه کامل حضرت امام^{ره} درباره موضوع جمعیت و فرزندآوری به چند نمونه از فتاوی‌ای معظم له اشاره و بسنده می‌کنیم.

عقیم‌سازی دائمی

سؤال: در مواردی که حاصل حاملگی به‌وجود آمدن جنین دارای نقص یا بیماری ژنتیکی است، آیا می‌توان زن یا مرد را برای همیشه عقیم کرد؟
پاسخ: خیر، عقیم‌کردن جایز نیست.^۱

عقیم‌سازی موقت

سؤال: الف) اقدام به جلوگیری از بچه‌دار شدن برای مرد یا زن جایز است یا نه؟ ب) اگر موجب لمس و نظر نامحرم (زن نامحرم یا مرد نامحرم) باشد، حکم چیست؟
پاسخ: الف) جلوگیری زن بدون رضایت شوهر جایز نیست؛ ولی اگر مرد جلوگیری نماید، مانع ندارد، اگرچه بدون رضایت زن «عزل»^۲ مکروه است.
ب) در صورتی که مستلزم لمس و نظر اجنبی است، حرام است.^۳

دستگاه IUD و بستن لوله

سؤال: خواهشمندیم در صورت امکان نظر خود را درباره حکم مسائل زیر مرقوم بفرمایید:
الف) گذاشتن دستگاه IUD؛ ب) بستن لوله برای خانم‌ها؛ ج) بستن لوله برای آقایان.
پاسخ: الف) اگر دستگاه به وسیله کسی که جایز نیست لمس یا نظر به عورت او کند، گذاشته می‌شود و مستلزم لمس و نظر است، حرام است و در غیر این صورت مانع ندارد، مگر اینکه موجب عقیم‌شدن دائمی یا نقص عضو شود.
ب و ج) اگر موجب نازایی دائمی نشود و ضرر به مزاج نرساند و همراه یا مستلزم حرام

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۳، جلوگیری از بارداری، سؤال ۲۲.

۲. عزل در لغت به معنای دورکردن چیزی و در اصطلاح فقهی به معنای ریختن منی خارج از رحم است.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۳، ص ۲۸۳، سؤال ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۴.

خارجی نشود، اشکال ندارد.^{۱ و ۲}

سقوط جنین سالم و معلول

سؤال: آیا بعد از انعقاد نطفه، سقط جنین سالم و از بین بردن آن جایز است یا نه؟

پاسخ: بعد از انعقاد نطفه جایز نیست.^۳

سؤال: انجام سقط جنین به منظور پیشگیری از تولد نوزادی که قطعاً معلول و ناسالم به دنیا خواهد آمد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر جنین دارای روح شده، سقط جایز نیست؛ ولی پیش از دمیده شدن روح، در فرض سؤال سقط مانع ندارد.^۴

در ارزیابی و بازخوانی مجموع فتاوی فقہی، زندگی شخصی و دیدگاه‌های حاکمیتی حضرت امام علیه السلام مستفاد مسلم این است که معظم له براساس دیدگاه شارع مقدس با تحدید نسل در جایگاه یک راهبرد کلان موافق نبودند و تکثیر نسل را اصل ثابت و همیشگی می‌دانند. گفتنی است افزون بر بازخوانی دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی، طراحی و برگزاری مستمر دروس خارج فقه جمعیت در حوزه‌های علمیه دنیای اسلام در کشف دیدگاه شارع مقدس بسیار راهگشا، تعیین‌کننده و ضروری به نظر می‌رسد.

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۲. زمانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام؛ در گفتگو با جمعی از فضلا و یاران امام علیه السلام، تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ ش.
۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.

۱. همان، ص ۲۸۳، سؤال ۹؛ نیز: ص ۲۸۴، سؤال ۱۱.

۲. گفتنی است به اذعان متخصصان پزشکی، وازکتومی (بستن لوله آقایان) و توبکتومی (بستن لوله خانم‌ها) در بیش از ۹۸ درصد موارد منجر به عقیم شدن دائمی شده است و اساساً بدون لمس و نظر اجنبی امکان‌پذیر و میسر نیست.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱۰، کتاب دیات، سؤال ۱۱۵۴۹.

۴. همان، سؤال ۱۱۵۵۱.

اختیاری و اجباری بودن حجاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

محمدکاظم کریمی *

اشاره

حجاب از ضرورت‌های دین اسلام است که افزون بر جنبه شناختی و اعتقادی، در ایران اسلامی، شکل قانونی نیز یافته است و رعایت آن برای بانوان الزام‌آور است. این نوشتار درصدد است ضمن بررسی ماهیت و دلایل حجاب اسلامی در آیات و روایات و با الهام از مبانی فکری امام خمینی علیه السلام، موضوع اختیاری و اجباری بودن آن را بررسی کند و ابعاد آن را متذکر شود.

مقدمه

موضوع حجاب و حدود پوشش بانوان از دیرباز محور مباحث گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه اسلامی بوده است و با پیروزی انقلاب اسلامی بیش از پیش توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی و حقوقی را به خود جلب کرده است. افزون بر مباحث مختلفی چون تعریف مشخص حجاب و مصادیق آن، حدود پوشش، شیوه برخورد با بی‌حجابی و نظایر آن، بحث اختیاری یا اجباری بودن حجاب، موضوعی کاربردی است که حجم گسترده‌ای از مباحث کارشناسان را به خود اختصاص داده است. آیا حجاب مانند دیگر احکام و فروع دینی، تکلیفی فردی است که شخص ملزم به رعایت آن است و در صورت تخلف، دچار معصیت می‌شود و در پیشگاه خداوند مسئول است؟ یا افزون بر جنبه فردی، دارای ابعاد اجتماعی است و آثار و پیامدهای آن مورد ابتلای دیگر اعضای جامعه است و به این دلیل فرد باید در برابر قوانین اجتماعی و عرفی نیز پاسخگو باشد؟ مباحثی از این قبیل، ضرورت پرداختن به این موضوع را ایجاب کرده است و شناخت ابعاد آن از دیدگاه صاحب‌نظران امری بایسته است.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

شناخت دیدگاه امام خمینی علیه السلام در جایگاه معمار انقلاب اسلامی درباره حجاب، محور این نوشتار است.

۱. تعریف حجاب

حجاب در لغت به معنای پرده، روبند، برقع، نقابی که زنان چهره خود را پوشانند، چادری که زنان سرتاپای خود را بپوشانند^۱ و چیزی است که میان دو شیء حائل می‌شود.^۲ در اصطلاح فقهی، وسیله پوشش زن در مقابل نامحرمان است.^۳ در قرآن کریم از دو مفهوم «خمار» و «جلباب» برای پوشش زنان استفاده شده است.^۴ خمار به معنای پوششی مانند مقنعه یا روسری است که با آن سر را می‌پوشانند و جلباب پوششی بزرگ‌تر از خمار است و گاهی تمام بدن را نیز می‌پوشاند.^۵

۲. جایگاه حجاب در آموزه‌های دینی

ضرورت حفظ حجاب زنان از نگاه فقیهان مسلمان بیش از همه منبعث از نص‌های صریح کتاب الهی است که در بیان‌های مختلف، موضوع پوشش زنان و نگهداری بدن و زینت از مردان نامحرم را یادآور شده است و از ارتباط غیرمتعارف مردان و زنان در جامعه نهی کرده است. از نگاه قرآن کریم، زنان و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و تمامی زنان باایمان موظف به رعایت پوشش مناسب‌اند تا حدی که جلب توجه نکنند و اسباب آزار و اذیت خودشان از سوی مردان هوس‌باز نیز فراهم نشود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا»^۶ ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که پوشش خود را بر خود فرو پوشند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، مناسب‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است».

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، واژه «حجاب».

۲. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸، ماده «حجب».

۳. ابن ابی‌جمهوری احصائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۷۲.

۴. نور: ۳۱؛ احزاب: ۵۹.

۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۹۹ و ۲۹۸؛ محمود زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۵۵۹.

۶. احزاب: ۵۹.

در باره سبب نزول این آیه گفته شده است آن ایام زنان مسلمان به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز می گذاردند. هنگامی که برای نماز مغرب و عشا می رفتند، بعضی از جوانان سر راه آنان می نشستند و مزاحم می شدند و با سخنان ناروا آنان را آزار می دادند. این آیه نازل شد و به آنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند.^۱ مشابه بیان فوق، در آیه ۳۰ سورة «نور» نخست به مردان مسلمان و سپس در آیه ۳۱ به زنان مسلمان فرمان می دهد از نگاه خیره و چشم چرانی اجتناب کنند و در رعایت پوشش بدن و زینت از نامحرم کوشا باشند.

و جوب حجاب شرعی برای زنان از مسائلی است که تمام فقیهان شیعه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند.^۲ امام خمینی علیه السلام در این باره گفته است:

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بپوشاند.^۳

۳. اختیاری یا اجباری بودن حجاب

حجاب نزد امام خمینی علیه السلام پوششی است که اندام و زینت زنان را در ارتباط با مردان می پوشاند و آنان را در محیط های اجتماعی از قرار گرفتن در معرض سوء استفاده های جنسی توسط مردان حفظ می کند. این موضوع که از آن به «پوشش اسلامی»^۴ یاد شده است، تکلیفی شرعی و قانونی در جامعه اسلامی و برای همه مکلفان رعایت آن لازم است و تخطی از آن جایز نیست. فلسفه ضرورت رعایت حجاب برای بانوان از نگاه امام علیه السلام، صیانت از شأن و شخصیت آنان و نه ایجاد محدودیت یا نادیده گرفتن حقوق آنان بیان شده است؛ از این رو وجوب رعایت پوشش اسلامی مانع هیچ حقی از حقوق انسانی زنان نخواهد بود:

ما نمی توانیم و اسلام نمی خواهد که زن به عنوان یک شی و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد

۱. ناصر مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶۳۱.

۲. شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۷، ص ۴۶؛ ابن حزم اندلسی، المحلی، ج ۱۰، ص ۳۲.

۳. سید روح الله موسوی خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۸۴.

۴. سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۶.

بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم تا زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند. اسلام سقط جنین را حرام می‌داند و زن در ضمن عقد ازدواج می‌تواند حق طلاق را برای خودش به وجود آورد. احترام و آزادی که اسلام به زن داده است، هیچ قانونی و مکتبی نداده است.^۱

به همین دلیل امام^{علیه السلام} از همان ابتدای انقلاب بر جاری کردن احکام شرعی از جمله موضوع حجاب به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی اصرار داشتند و با جدیت اعمال نظارت می‌کردند و در موارد لزوم به مدیران دستگاه‌ها و دوایر دولتی درباره توجه و رعایت آن یادآوری‌های لازم را اعلام می‌داشتند:

الان وزارتخانه‌ها - این را می‌گویم که به دولت برسد، آن طوری که برای من نقل می‌کنند - باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند؛ زن‌ها بروند، اما باحجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند.^۲

گفتنی است مبنای رعایت حجاب در جامعه اسلامی، نه صرف پوشش بلکه احترام به عفت عمومی و بهره‌مندی از پاکدامنی است؛ به همین دلیل قرآن کریم مردان و زنان مؤمن را به رعایت عفت و پاکدامنی و پاک‌چشمی در برابر نامحرمان امر فرموده است و به ناظر بودن خداوند بر رفتار آنان تأکید ورزیده است.^۳ امام خمینی^{علیه السلام} نیز هدف از حجاب را بالابردن ضریب ایمنی اجتماعی و ارتقای عفت عمومی جامعه اسلامی بیان داشته است و از آنچه به این مهم آسیب برساند، تحذیر نموده است: «حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است، مخالفت دارد».^۴

با این وجود، امام^{علیه السلام} بر حضور زنان در محیط‌های اجتماعی اصرار داشتند؛ بدان حد که نقش زنان در پیشبرد اهداف و ارزش‌های عالی جامعه اسلامی را مهم‌تر از مردان تلقی می‌کردند و آنان را در تربیت نسل آینده اثرگذارتر می‌دانستند؛ چراکه حفظ شئون اسلامی برای زنان به دلیل

۱. همان، ج ۵، ص ۲۹۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۲۹.

۳. نور: ۳۰-۳۱.

۴. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۴۱.

تأثیر بر تربیت فرزندان و انتقال داشته‌ها و پنداشته‌ها به فرزندان، نقش مؤثری در ساختن نسل آینده و رشد و باروری استعدادها و شکوفایی دین‌باوری در آنان خواهد بود:

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان يك قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است. و این امری است که انبیا می‌خواستند؛ می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند. خودتان برای کشور خودتان کوشش کنید که مفید باشید. و شما هدایت کنید مردان را و هدایت کنید و نصیحت کنید دولت مردان را. شما مادران خوبی برای اطفال باشید و ناصحان خوبی برای جامعه و زحمت‌کشان خوبی برای مستمندان و هستید بحمدالله^۱.

به‌هرحال از نگاه امام علیه السلام، حجاب برای جامعه اسلامی امری شرعی و عرفی است که رعایت آن برای پیشگیری از رواج فساد و بی‌بندوباری در جامعه ضروری است و بنا بر اینکه پشتوانه آن دستور شرع مقدس است، همه مکلفان ملزم به رعایت آن هستند.

۴. شیوه برخورد با بی‌حجابی

نگاه راهبردی امام علیه السلام در موضوع پوشش بانوان، بر آگاهی‌بخشی دینی و عقلی همراه با اقتناع فرهنگی و رفتار محترمانه استوار است. این نگاه در زمینه اموری چون «تربیت فرزندان»، «مدیریت خانه»، «تأثیرگذاری بر مردان» و «ایفای نقش در تحقق اهداف نظام اسلامی» آثار و نتایج خود را نشان داده است. از تفتن‌های زیبای امام علیه السلام در موضوع حجاب و دیگر احکام شرعی برای بانوان، تأثیر آن بر تربیت فرزندان خویش است که آینده‌سازان جامعه اسلامی اند؛ برعکس، آنچه برای آینده جامعه اسلامی مخاطره‌آمیز است، روگردانی بانوان از ارزش‌های دینی و غفلت از تربیت دختران بر محور مبانی و ارزش‌های اسلامی است؛ به گونه‌ای که نسل آینده از نظر تعمیق باورهای دینی و تقید به احکام شرع دچار تأخر شوند:

قضیه کشف حجاب، قضیه‌ای نبود که اینها بخواهند برای خانم‌ها خدمت بکنند، اینها می‌خواستند که این طبقه [را] هم با زور و با فشار نابود کنند. آن مآثری که اینها دارند، آن خدمت‌هایی که این قشر می‌توانند به ملت بکنند، آن خدمت‌های ارزنده‌ای که

بانوان ما عهده‌دار آن هستند، از دست‌شان گرفته بشود و نگذارند اینها آن خدمت اصیلی که باید بکنند و آن تربیت بچه‌ها، که بعدها مقدرات مملکت به دست آنهاست، اینها نگذارند که این خدمت انجام بگیرد؛ مبدا بچه‌ها در دامن اینها تقوا پیدا بکنند؛ در دامن اینها تربیت اسلامی بشوند؛ تربیت ملی بشوند.^۱

امام خمینی علیه السلام بر خورد با بی‌حجابی را پیش و پیش از راه‌های سلبی، از مسیر ایجابی و به‌ویژه روشنگری و آگاهی‌بخشی در زمینه عوامل، اهداف و پیامدهای آن جستجو کرده‌اند؛ از این‌رو کشف حجاب را توطئه تحمیل‌شده ابرقدرت‌ها بر جامعه اسلامی می‌دانست که عمده‌ترین هدف آن پیشگیری از شکوفایی استعداد‌های زنان و معطل‌گذاشتن توانایی آنان در کمک به پیشرفت کشور و تربیت انسان‌هایی شجاع، خلاق، مهذب است که بتوانند برای کشور مفید باشند و دست بیگانگان را از منافع کشور خود قطع کنند:

یکی از نقشه‌های آنان، کشیدن جوانان به مراکز فحشا بود که موفق شدند و کشور ما را از جوانانی که عضو فعال جامعه‌اند، تهی کردند و مغزهای آنان را از قوه تفکر، خلع سلاح نمودند که هرچه از این کشور آفت‌زده و غرب‌زده بچاپند و به یغما ببرند، همگان بی‌تفاوت باشند.^۲

یادآوری و معرفی عوامل، زمینه‌ها و پیامدهای بی‌حجابی در جامعه اسلامی، از آموزه‌های اساسی امام علیه السلام در مدیریت عواطف و احساسات و برانگیختن قدرت تفکر جوانان دختر و پسر برای شناختن قدر خود و وقوف به دست‌های پنهان بیگانگان در سرگرم‌کردن آنان به لذت‌های ظاهری به جای هویت‌یابی و ایفای نقش مؤثر در امور اساسی جامعه است:

اینها می‌خواستند زن را وسیله قرار بدهند از برای اینکه سرگرمی حاصل شود برای جوان‌ها و در کارهای اساسی اصلاً وارد نشود. طریق‌های مختلفی اینها داشتند برای اینکه این جوان‌های ما را، این دانشگاهی‌های ما را، همه این قشرها را نگذارند به فکر خودشان بیفتند و به فکر مملکت‌شان بیفتند.^۳

بر این اساس، از نظر امام علیه السلام با توجه به اینکه حجاب قانون شرعی و اجتماعی است، هرگاه با وجود آگاهی‌بخشی و ایجاد فرصت‌های مختلف برای زیست عقیقانه در جامعه، کسی بخواهد

۱. همان، ج ۷، ص ۳۳۲.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۷۴.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۱.

از قوانین جاری جامعه تخطی کند و عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، طبق قوانین اسلامی با او برخورد می‌شود:

اگر یک کسی بنا شد سوءاستفاده بخواند بکند که شما الان آن توجه به این معنا هم باید داشته باشید، اگر فرض کنید که یک کسی بخواند سوءاستفاده بکند، یک کسی بخواند برای اینکه خیال کند که نخیر دیگر آزاد است، دیگر چه و چه، بخواند آن کارهای خلافی که پیش تر می‌کرد، خلاف شرعی که پیش تر می‌کرده بکند، توی خیابان‌ها یک کار خلاف شرعی بکند، خوب وظیفه شهربانی جلوگیری است؛ اصلاً برای همین است ما می‌خواهیم شهربانی مان به وظایفش عمل کند؛ یکی از وظایفش این است که جلوگیری کند از این منکراتی که در شهر بخواند واقع بشود، هر جا یک دکانی یک چیزی دارد جلوگیری را بگیرد. لاقلاً به دادستان بگوید تا او بفرستد جلوگیری را بگیرد، سوءاستفاده نباید مردم بکنند از این مسائل.^۱

۵. پیشنهادهای عملی برای ترویج و گسترش حجاب در جامعه اسلامی

در این بخش ناظر به دیدگاه‌های امام علیه السلام، برخی از راهکارها برای ترویج امر حجاب و کمک به تحقق فرهنگ پوشش اسلامی در جامعه ارائه می‌شود.

الف) توجه به نقش ممتاز مردان در عفت عمومی

قرآن کریم پیش از توصیه زنان به رعایت حجاب و پوشش، مردان را به رعایت حجاب و چشم‌پوشی از نامحرمان و دارابودن نگاه حرام سفارش می‌کند؛ از این رو شرط تحقق حیا و عفت در جامعه از نگاه قرآن کریم، پیشگامی مردان در این زمینه است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^۲ به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است».

در جامعه‌ای که امور اساسی آن توسط مردان تمشیت و هدایت می‌شود، لازم است مردان آن به اهمیت تصمیم‌ها و رفتارهای خویش و پیامد آنها توجه کافی نشان دهند. امتیاز قوام‌بودن مردان بر زنان از سوی قرآن کریم تنها به ادعا نیست، بلکه مردان باید نقش تربیتی و هدایت‌گری

۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۶۶.

۲. نور: ۳۰.

خویش را برای اصلاح امور جامعه و خانواده‌ها به‌درستی و با تدبیر مناسب نشان دهند و از رسوخ باورها، سنت‌ها و رفتارهایی که سبب ازکفر رفتن عنان حیای زنان می‌شود، پرهیز نمایند. درخواست و انتظار آرایش‌های مهووع و افراطی در محیط‌های جمعی، قرارگرفتن معیار زیبایی برای به‌کارگیری و اشتغال زنان در فضاهای کسب‌وکار، توجه به زیبایی ظاهر برای خواستگاری و ازدواج، توجه نشان‌دادن بیشتر به زنان زیبارو و کم‌حجاب در بستر مراودات اجتماعی و شغلی و نظایر آن از اموری است که بدون دخالت و اعمال مدیریت ناصحیح مردان در جامعه اسلامی به وقوع نمی‌پیوندد. بدین‌سان اصلی‌ترین گام برای بهبود وضعیت حجاب در جامعه، باید از سوی مردان برداشته شود؛ چراکه جامعه عقیف همواره جامعه‌ای است که مردانش عقیف باشند. مردان باید محیط کار خود را خانه خود بدانند و دختران و زنان شاغل در این محیط‌ها را بسان دختران، همسران و مادران خود عقیف بنخواهند و درباره آنان احساس غیرت داشته باشند.

ب) پیشگامی دستگاه‌های حکومتی در موضوع حجاب

چنان‌که حکومت اعتقاد راسخ و عزم بر موضوع حجاب دارد، نخستین گام برای غلبه بر معضل حجاب آن است که از دستگاه‌های حکومتی شروع کنند. همان‌طور که حکومت برای کارکنانش در جمیع شئون خود قوانینی دارد و همه بخش‌ها اعم دولتی و خصوصی موظف به رعایت آنها هستند، درباره حجاب نیز باید دستگاه‌های دولتی تابع بخش‌نامه‌های مربوط باشند. هر دستگاهی که از بودجه عمومی استفاده می‌کند، باید در جذب، به‌کارگیری و تداوم خدمت کارکنانش موظف به رعایت قوانین شرع به‌ویژه حجاب شرعی باشد. معنا ندارد حکومتی اسلامی باشد، اما مدیران و فرزندان مدیرانش به موضوع حجاب التزام نداشته باشند. وقتی رعایت حجاب برای مدیر یک دستگاه اهمیت اولی نداشته باشد یا بدان التزام نداشته باشد، اهمیت آن نزد کارکنان نیز به‌تدریج کاسته می‌شود و در رعایت آن تعلل می‌ورزند.

ج) برنامه‌ریزی هدفمند برای فرهنگ‌سازی حجاب

برای ترویج امر حجاب، برای هر دستگاه همایش‌ها و نشست‌های دوره‌ای تعریف شود که در آن مدیران موظف باشند به همراه همسران و فرزندان‌شان حضور یابند. حضور نیافتن بی‌دلیل هر مدیر یا حضور بدون رعایت شئون اسلامی، به منزله بی‌توجهی به موضوع حجاب است و تدابیر مشخصی برای مقابله با آن باید در نظر گرفته شود. این نشست‌ها با هدف فرهنگ‌سازی درباره حجاب، باید در هر سازمان به صورت دوره‌ای، مداوم و با برنامه مشخص همراه با تشویق،

اهدای جوایز، برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی و نظایر آن باشد و نگاه کوتاه‌مدت و مقطعی به آن نشود.

نتیجه

این نوشتار کوشید نشان دهد امام علیه السلام در کنار برخورد سلبی با بی‌حجابی، از برخورد ایجابی نیز غافل نبوده‌اند. بر این اساس باید گفت امام علیه السلام عمیقاً به مفاد کلام الهی «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^۱ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان، التزام داشتند و سیره عملی خویش در برخورد با موضوع حجاب را بر پایه آن پی‌ریزی کرده‌اند. امام علیه السلام بدون استثنا در تمام دیدارهای خویش با بانوان و نیز پیام‌هایی که به مناسبت‌های مختلف از جمله روز زن می‌فرستادند، تلاش داشتند به موضوع آگاهی‌سازی جامعه در موضوع حجاب ورود داشته باشند و با بیان اهمیت حجاب برای مصونیت زنان، تبیین حکم‌الله بودن آن، تشویق دختران به حجاب، معرفی الگوهای واقعی حجاب اسلامی به جامعه، افشای توطئه بیگانگان درباره اغفال دختران و زنان، نهی از اشرافی‌گری و خودآرایی در محیط‌های اجتماعی، تقبیح و نکوهش زندگی‌های مرفهانه که سبب غبطه طبقات پایین جامعه شود و نظایر آن، زنان را به رعایت حجاب ترغیب کنند. طبعاً در موارد ضروری نیز به حکم شریفه «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» و با اهل جدل به بهترین شیوه مناظره کن، خواهان برخورد با هنجارشکنان و مرتکبان اعمال منافی عفت عمومی، البته در چارچوب موازین و قوانین شرعی بودند. با وجود این، زبان امام علیه السلام در برخورد و تذکر به کسانی که در مجاری حاکمیتی به دلیل انجام‌ندادن وظایف‌شان اسباب انحراف جوانان را فراهم می‌کنند، دچار لکنت نبود و دستگاه‌های مربوط را به انجام وظایف‌شان در این‌باره به صورت مداوم تذکار و ارشاد کرده‌اند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلی، قاهره: مکتب دار التراث، ۱۳۵۲ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ ط ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. احصائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، قم: مطبعة سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار القلم، ۱۴۱۶ ق.
۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی جلی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چ ۲، قم: انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق.
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ ۲۶، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم: احمدعلی بابایی، تهران: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۸۶.
۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، توضیح المسائل؛ چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۱۰. _____، صحیفه امام؛ چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.

پایگاه اینترنتی

1. www.tabnak.ir/fa/news.

عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

دکتر محمد علینی *

عباس علینی **

مقدمه

عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، دربرگیرنده عوامل افزایشنده و عوامل کاهشنده است. روابط اجتماعی و پیوندهای گرم و صمیمی، اعتماد اجتماعی، مشارکت، همبستگی، وحدت و یکپارچگی و ... از عوامل افزایشنده سرمایه اجتماعی است. در نقطه مقابل، روابط سرد و ابزاری، بی‌اعتمادی، تفرقه و جدایی و ... از عوامل کاهشنده سرمایه اجتماعی است. امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به این عوامل توجه داشت. ایشان در سخنان و سیره رفتاری خویش به دنبال ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی و دوری از فروپاشی و کاهش سرمایه اجتماعی بود.

مفهوم‌شناسی سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی به روابط و پیوندهای بین انسان‌ها مربوط می‌شود و موجب همکاری متقابل بین یکایک جامعه و استحکام پایه‌های اجتماع می‌گردد که در آموزه‌های دینی، به‌ویژه دین اسلام به‌وفور یافت می‌شود.^۱

سرمایه اجتماعی از سرمایه‌های کلیدی در هر جامعه است که نقش بسزایی در کارآمدی حکومت و تأمین رفاه پایدار دارد. سرمایه اجتماعی دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و هر کدام از آنان دارای شاخص‌های مختلف هستند.^۲ از نگاه فوکویاما،

* دکتری دین پژوهی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی.

۱. محمد علینی، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ص ۱۹.

۲. سیدرضا صالحی امیری و اسماعیل کاوسی، سرمایه اجتماعی، ص ۱۳-۲۹.

هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کند، باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دوجانبه باشد.^۱ در واقع سرمایه اجتماعی حاصل اعتماد، مشارکت و همکاری‌های داوطلبانه است.^۲

پایه‌های اصلی سرمایه اجتماعی ممکن است بر اثر استفاده نابجا یا تحول روان‌شناختی و جامعه‌شناختی رو به زوال نهد، زمینه‌های نابودی و محوشدن آن فراهم گردد، یا سرمایه‌های اجتماعی منفی در جامعه شکل بگیرد که به‌هر حال موجب سقوط نظام سیاسی و اجتماعی موجود می‌شود. تضعیف یا تخریب نظام ارزشی و هنجاری، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی از عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی هستند.^۳

سرمایه اجتماعی در سخنان امام خمینی علیه‌السلام وجود ندارد، با این وجود کلمات و سخنانی درباره مؤلفه‌های گوناگون این کلام وجود دارد که ناظر بر سرمایه اجتماعی است. امام خمینی علیه‌السلام در اندیشه خود بر اهمیت سرمایه اجتماعی، حفظ، تقویت و به‌کارگیری آن در تحقق و تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی به‌ویژه احیای هویت اسلامی، استقلال، عدالت و آزادی تأکید کرده است.

در پژوهش حاضر، سه مؤلفه اصلی و مهم سرمایه اجتماعی، یعنی روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام به‌اختصار بررسی می‌شود.

۱. مؤلفه روابط اجتماعی

ایده محوری سرمایه اجتماعی، روابط و پیوندهای میان یک‌یک افراد جامعه است. افراد جامعه در سطوح گوناگون با برقراری رابطه با یکدیگر و پایدارکردن آن قادر به همکاری با هم می‌شوند. با گسترش روابط و همکاری متقابل میان همه افراد جامعه و استحکام پایه‌های اجتماعی، نوعی دارایی شکل می‌گیرد که از آن به سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند.^۴

ارتباطات عنصر اصلی سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید. سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و اساس بحث آن، ارزشمندبودن پیوندها و روابط اجتماعی برای افراد است.

۱. فرانسیس فوکویاما، پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ص ۱۱.

2. Robinsoun, , 'Social Capital, Participation and Consultation' 2000, p.2.

۳. یوسف فتحی، سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی، ص ۲۲۵.

۴. محمد علینی و غلامرضا غفاری، «تحلیل فضای مفهومی سازه اجتماعی در کلام امام علی علیه‌السلام»، ص ۹۳.

امام خمینی علیه السلام به ارتباطات اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت. زیباترین بیان ایشان در این باره، تشبیهی است که در آن جامعه و افراد آن را به قطرات باران، نهرها، سیل و دریا تشبیه کرده است.^۱

مؤلفه‌های بُعد شناختی روابط اجتماعی

بُعد شناختی روابط اجتماعی به جنبه ذهنی و تجلیات انتزاعی تر سرمایه اجتماعی از قبیل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که کنش متقابل میان افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر روابط میان افراد اثر می‌گذارد و آن را به سوی اقدام جمعی سوق می‌دهد.^۲ در دیدگاه امام خمینی علیه السلام مؤلفه‌های بُعد شناختی روابط عبارت‌اند از:

الف) خدامحوری در روابط

با مروری بر سخنان امام خمینی علیه السلام این نکته به‌روشنی آشکار می‌شود که نیروی ایمان به خدا، ایجادکننده سرمایه‌ای است از جنس سرمایه‌های مادی نیست، بلکه از جنس سرمایه‌های معنوی و کیفی است که موجب تسهیل بسیاری از کنش‌ها می‌گردد. بر این اساس امام علیه السلام می‌گوید: «این قوه ایمان است که مردم سرتاسر ایران را بسیج کرد. قدرت ایمان، قوه اسلام و قدرت معنوی ملت این پیروزی را به ما ارزانی داشت».^۳

ب) حفظ حرمت و آبروی انسان

حفظ حرمت انسان و آبرو و حیثیت وی در جایگاه یک اصل در روابط بین افراد و مورد تأکید بسیار اسلام است؛ به طوری که در منطق اسلام، پاسداری از حرمت انسان به انسان مسلمان اختصاص ندارد، بلکه هر فردی که در جامعه اسلامی در جایگاه شهروند زندگی می‌کند، باید حریم انسانیت او محفوظ باشد. حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر چنین تأکید فرمود: «التَّاسُ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛ مردم بر دو دسته هستند: یا برادر دینی تو هستند یا چون تو انسان می‌باشند».^۴

امام خمینی علیه السلام در عمل، خود به حفظ حرمت و آبروی انسان و افراد اصرار و اهتمام جدی داشت. فرمان هشت ماده‌ای امام علیه السلام که از فرمان‌های مهم ایشان است و در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ درباره

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۲. سیده فاطمه فقیه خلیجانی، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، ص ۸۵-۸۶.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۶۱.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

رعایت حقوق مردم خطاب به قوه قضاییه و ارگان‌های اجرایی آمده است، در همین مسئله می‌باشد.^۱

ج) رعایت حقوق اقوام و اقلیت‌ها

رعایت حقوق اقوام و اقلیت‌ها همواره مورد تأکید فراوان امام خمینی علیه السلام قرار داشت.^۲ درحقیقت اقلیت‌ها در اندیشه امام خمینی علیه السلام، اعم از اقلیت‌های مذهبی یا اقوام و طوایف گوناگون، همگی جزئی از ملت هستند و برادری آنها با یکدیگر و حفظ احترام و حقوق آنها و رفتار انسانی و عادلانه با آنها همواره از اصول اساسی مورد تأکید امام علیه السلام بود. این شیوه برخورد امام علیه السلام با توجه به اینکه امکان همزیستی مسالمت‌آمیز و تعامل گروه‌های مختلف را در کنار یکدیگر فراهم می‌کند، از ظرفیت بالایی برای ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه برخوردار است.^۳

۲. مؤلفه اعتماد اجتماعی

اعتماد مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی به معنای تمایل فرد به پذیرفتن خطر در وضعیت اجتماعی با اطمینان به این نکته است که دیگر افراد جامعه به گونه‌ای مورد انتظار وی عمل نمایند و از او حمایت می‌کنند. افزایش استقلال و توانایی فردی و گروهی، تسهیل همکاری و تسریع امور و کاهش هزینه‌ها از آثار و فواید چشمگیر مؤلفه اعتماد اجتماعی در همه روابط میان افراد جامعه اعم از خرد و کلان است.^۴

امام خمینی علیه السلام شرط اعتماد را دیانت، امانت و کاردانی مطرح می‌کند.^۵ بر اساس دیدگاه امام، بنیان جامعه بر اعتماد اجتماعی گذاشته شده است و بدون اعتماد، آرامش وجود نخواهد داشت.^۶ ایشان قائل است: «کمترین انتظار یک ملت، رفاه و آسایش آنهاست و ملتی که نیازهای ابتدایی او تأمین نشود، در فکر نیازهای بعدی نخواهد بود؛ حتی اگر آن حکومت الهی باشد». ایشان تصریح می‌کند: مردم انتظار دارند دولت اسلامی بیشتر به رفاه آنان بیندیشد. ایشان دولت

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹ - ۱۴۳.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۹۰.

۳. سیده فاطمه فقیه خلیجانی، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، ص ۱۰۶.

۴. سیدرحیم ابوالحسنی، «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی»، ص ۷۲ - ۷۳.

۵. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۷۵.

۶. سیدروح‌الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۴۷۶.

اسلامی را کارآمد و تأمین کننده رفاه و آسایش زندگی مردم می‌داند.^۱

اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی

امام خمینی علیه السلام اعتماد مردم به یکدیگر (اعتماد عام یا بین فردی) را رکن اساسی زندگی اجتماعی می‌داند و این مطلب را چنین توضیح می‌دهد: «زندگانی اجتماعی چرخ بزرگش بر اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد که اگر خدای نخواست اعتماد از انسان‌ها برداشته شود، ممکن نیست بتوانند با راحتی زندگانی کنند».^۲

افزون بر اعتماد افراد به یکدیگر در زندگی اجتماعی، امام خمینی علیه السلام بر اعتماد بین مردم و حکومت (اعتماد نهادی) نیز توجه فراوانی داشت. ایشان همواره بر حفظ اعتماد بین مردم و حکومت و ایجادنشدن شکاف در این بین تأکید داشت؛ به طوری که خطر بزرگ را زمانی می‌دانست که اعتماد مردم از حکومت سلب گردد.^۳

گفتنی است اعتماد به شخص، اعتماد نهادی تولید می‌کند. امام علیه السلام در ماجرای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خطاب به مردم می‌گوید: «من شما را می‌شناسم. شما هم مرا می‌شناسید. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود. عزیزانم، می‌دانید که تلاش کردم که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم».^۴

همچنین در نقطه مقابل، بی‌اعتمادی به یک شخص به بی‌اعتمادی نهادی می‌انجامد؛ به همین دلیل امام خمینی علیه السلام درباره تأثیر عملکرد یک طلبه در سرنوشت کل طلاب می‌گوید: «از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، مهذب و ساخته شده باشید تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی اسلامی آنان را تربیت کنید؛ اما اگر خدای نخواست در مرکز علم خود را اصلاح نکردید، به هر کجا که بروید، العیاذ باللله مردم را منحرف ساخته به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد. درد اینجاست اگر مردم از شما عملی که برخلاف انتظار است مشاهده کنند، از دین منحرف می‌شوند. از روحانیت برمی‌گردند، نه از فرد».^۵

۱. همو، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. همو، شرح چهل حدیث، ص ۴۷۶.

۳. همو، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

۴. همان، ج ۲۱، ص ۹۵.

۵. سیدروح‌الله موسوی خمینی، جهاد اکبر، ص ۱۲-۱۴.

اعتماد اجتماعی و نهادی به‌مثابه کشتی نجات یک کشور است. اگر کشتی میان دریا متزلزل شود، تمام ساکنان آن مضطرب می‌شوند. احتمال غرق‌شدن کشتی، همه خوشی‌ها را از بین می‌برد و تمام شیرینی‌ها را تلخ می‌گرداند.^۱ در واقع عامل حفظ اعتماد نهادی، کارآمدی، صداقت و امانت‌داری است. اطمینان در ملت، استقلال روحی و اعتماد ایجاد می‌کند. اگر دولت و رسانه‌ها و گویندگان در ملت اعتماد ایجاد کنند، پیروزی همیشگی حاصل می‌گردد.^۲

به اعتقاد امام خمینی علیه‌السلام، مؤلفه اعتماد اجتماعی در انقلاب اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. پس از انقلاب اسلامی نیز امام خمینی علیه‌السلام معتقد است اعتماد نقش بسیار مؤثری دارد؛ زیرا وجود اعتماد میان مردم و حکومت، سبب همکاری مردم با دولت و نظام سیاسی می‌شود. ایشان می‌گوید: «دولت و مردم نایستی از یکدیگر جدا باشند».^۳ به باور امام خمینی علیه‌السلام در نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی به دلیل پاکدستی و تعهد به اجرای احکام اسلام و تخصص و خدمت‌گزاری، اعتماد اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد؛ اما در نظام استبدادی میان مردم و حکومت بی‌اعتمادی وجود خواهد داشت.^۴

شاخص‌های اعتماد

برخی از مهم‌ترین شاخص‌های اعتماد عبارت‌اند از:

الف) شاخص کارآمدی

کارآمدی نظام، ارتباط مستقیمی با پشتیبانی مردم از دولت و پذیرش مردمی حکومت دارد. امام در این باره می‌گوید:

کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند و پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشد، آن رژیم از بین نخواهد رفت. اینکه رژیم سابق از بین رفت، برای این بود که پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود.^۵

۱. همو، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۳.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۵۳۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۲۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۴۱۷؛ ج ۵، ص ۳۱۶ و ج ۴، ص ۳۶۹.

۵. همان، ج ۸، ص ۳۷۲.

حکومت و حاکمیت برای ایجاد کارایی و اعتماد بین مردم لازم است تا به مواردی پایبند باشد که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

* خدمت‌گزاری و پاسخ‌گویی

امام خمینی علیه السلام بر آثار اجتماعی خدمت‌گزاری حکومت چنین تأکید داشت: «مسئله، مسئله خدمت‌گزاری دولت به ملت است، نه فرمان‌فرمایی دولت به ملت. فرمان‌فرمایی شما را از ملت و ملت را از شما جدا می‌کند».^۱

* رفتار کریمانه و محترمانه با مردم

یکی از عوامل کارآمدی حکومت‌ها از منظر امام خمینی علیه السلام، رفتار محترمانه و کریمانه آنها با مردم است؛ به این معنا که حاکمان باید با رفتارهای انسانی و اسلامی و محبت‌آمیز با مردم برخورد کنند و پیش از حکومت بر ابدان آنان، بر قلوب آنها حکومت نمایند. ایشان فتح قلوب را مهم‌تر از فتح ممالک برای حکومت‌ها می‌دانست.^۲ این تعبیر امام علیه السلام می‌تواند نشان از اهمیت ایجاد یک رابطه اعتمادی با مردم باشد که خود سرمایه اجتماعی مهمی به شمار می‌آید؛ به همین دلیل امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد».^۳

(ب) شاخص قانون‌گرایی

قانون‌مندی دولت و مردم نیز یکی از عوامل کارآمدی و قابل‌پیش‌بینی بودن تصمیم‌ها و رفتارهاست، به‌ویژه پایبندی به حقوق اساسی که روابط اجتماعی حاکم بر دولت و ملت را تعیین می‌کند. امام علیه السلام پایبندی به قانون را اساس یک کشور اسلامی می‌داند و همه اشخاص، گروه‌ها و نهادها را به تن دادن قانون توصیه می‌کند. ایشان بر این اساس، عمل به قانون را معیار حل مناقشات و منشأ اختلاف‌ها را قانون‌شکنی می‌داند. امام علیه السلام می‌فرماید: «قانون برای همه و به نفع همه و برای تهذیب و آرامش خاطر و مصالح همه ملت است. البته دزدها و دیکتاتورها از قانون

۱. همان، ج ۹، ص ۱۱۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. همان، ج ۸، ص ۲۳۰.

بدشان می‌آید».^۱ از نظر امام، قانون برای همه اعضای جامعه یکسان است. عمل توده مردم به قانون به میزان پابندی بزرگان جامعه به آن وابسته است. قانون برای برقراری نظم اجتماعی عادلانه است. به تصریح امام خمینی علیه‌السلام، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم در عمل به قانون با دیگران برابر بود.^۲

ج) شاخص انتقادپذیری

یکی دیگر از عوامل کارآمدی حکومت‌ها که به ایجاد اعتماد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی می‌انجامد، انتقادپذیری حکومت و دولت است که مورد توجه و تأکید فراوان امام خمینی علیه‌السلام نیز قرار داشت؛ چراکه به اعتقاد امام، انتقاد بجا و سازنده موجب رشد و هدایت جامعه است.^۳

د) شاخص تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع اجتماعی

از جمله عوامل کارآمدی حکومت‌ها و دولت‌ها که منجر به اعتماد و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شود، تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع اجتماعی است. امام خمینی علیه‌السلام درباره این شاخص می‌فرماید:

در جمهوری اسلامی زورگویی و ستم نیست. در جمهوری اسلامی آزادی، استقلال و عدل اسلامی بر تمام ملت سایه می‌افکند. اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند.^۴

امام علیه‌السلام تأکید می‌کند: «با تأمین حقوق و آزادی‌های مردم از سوی دولت، مردم نسبت به دولت احساس اعتماد و نزدیکی می‌کنند و خود را صاحب اختیار و دارای رای در اداره کشور می‌دانند». ایشان با توجه به تجربه تاریخی، عاقبت حکومت‌های دیکتاتور و ارباب و زور را جز سقوط نمی‌دانند^۵ و می‌فرماید: «در حکومت اسلامی، فرمان‌فرمایی و فرمانبری نیست. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حکومت خود با مردم برابر بود و امتیازی برای خود قائل نبود. فرمان‌فرمایی، دولت را از ملت

۱. همان، ج ۱۴، ص ۴۱۳ - ۴۱۵.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۶۲.

۳. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹.

۴. همان، ج ۶، ص ۵۲۶.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۷۲.

و ملت را از دولت جدا می کند و منشأ مفاسد می شود».^۱

۳. مؤلفه مشارکت

«مشارکت» فرایندی اجتماعی، عمومی و یک پارچه است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل رشد جامعه می باشد.^۲ مشارکت فعال مردم در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی به شمار می آید.^۳ امام خمینی علیه السلام در جایگاه یک رهبر مردمی در تاریخ معاصر ایران همواره به نیروی مردم و نقش مؤثر آنان در تحولات سیاسی و اجتماعی اعتقاد راسخ داشت؛ به طوری که مردم را سرمایه اصلی کشور می دانست. ایشان همواره به حضور مؤثر مردم در صحنه و مشارکت آنان در عرصه های مختلف تأکید داشت. امام خمینی علیه السلام همراهی و پشتیبانی مردم را منوط به همکاری عملی آنان می دانست؛ بر این اساس با صراحت می فرماید: «بدون پشتیبانی مردم نمی شود کار کرد. پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند، این پشتیبانی نیست. پشتیبانی این است که مردم همکاری کنند».^۴

امام علیه السلام در بیانی درباره آسیب مشارکت نکردن حکومت با مردم که از عوامل کاهنده سرمایه اجتماعی و موجب فروپاشی آن می شود، چنین می فرماید:

دولت چنانچه تذکر داده ام، بدون شرکت ملت و توسعه بخش های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنارگذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود.^۵

امام خمینی علیه السلام افزون بر اینکه دولت را موظف به مشارکت دادن مردم در امور مختلف اداره جامعه و فراهم کردن زمینه های آن می داند، به گسترش روحیه مشارکت عمومی مردم و دعوت از آنها به حضور در صحنه در عرصه های گوناگون نیز تأکید دارد:

همین ملتی که یک همچو نهضتی کرد و یک همچو پیروزی برایش حاصل شد، باید

۱. همان، ج ۹، ص ۱۱.

۲. یوسف فتحی، سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی، ص ۹۹.

۳. فرانسیس فوکویاما، پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ص ۱۱۰ - ۱۱۱.

۴. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۰۹.

۵. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۸.

این مملکت را خود ملت اداره بکند. در هر صورت مملکت باید با دست خود مردم و با دست خود اشخاص اداره بشود.^۱

امام علیه السلام ایران را متعلق به ملت ایران و مسئولیت سازندگی آن را هم متوجه همه مردم می‌داند و می‌فرماید: «ایران مال خود شماست و خود شما باید او را بسازید، وگرنه کارها زمین می‌ماند».^۲ ایشان دولت را به‌تئهایی در حل امور جامعه ناتوان ارزیابی می‌کند و دولت را مکلف به مشارکت دادن مردم در امور و سهیم کردن و سهیم شدن آنها در سرنوشت خود می‌داند و تأکید می‌کند: «همان طوری که با شرکت مردم جنگ تمام شد، با شرکت مردم کشور اداره می‌گردد. امور جامعه باید در اختیار مردم باشد و دولت نظارت کند».^۳

مؤلفه‌های مشارکت

مشارکت از مؤلفه‌های گوناگونی شکل یافته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: شبکه‌ها، نهادها و پیوندهای مردمی، تعاون و همکاری، مشورت، اصل مسئولیت‌پذیری و نظارت اجتماعی. امام خمینی علیه السلام درباره هر کدام از این مؤلفه‌ها، سخنانی دارد که عمل به آنان موجب افزایش مشارکت و در نتیجه تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. در ادامه به مؤلفه مهم و اساسی آن که شبکه‌ها و نهادهای مردمی است، پرداخته می‌شود.

- شبکه‌ها، نهادها و پیوندهای غیررسمی و مردمی

یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، وجود شبکه‌ها و پیوندهای غیررسمی و مردمی است که در ایجاد مشارکت مردمی تأثیر بسزایی دارد. این شبکه‌ها و پیوندها به میزان زیادی به هماهنگی فعالیت‌ها کمک می‌کند و قادرند هماهنگی‌های بیشتری با هزینه کمتر پدید آورند. نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در مشارکت مردمی برخوردار است که به دلیل اهمیت آن، در ادامه بررسی می‌شود.

نهاد امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر زمانی که به صورت یک شبکه و نهاد غیررسمی و مردمی، نظارت

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۰۲-۳۳۷.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۶۸.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۵۶.

کنترل اجتماعی در عرصه سالم سازی اجتماعی دیده شود، می تواند یکی از مصادیق و شاخص های سرمایه اجتماعی در ساختار جوامع اسلامی دانسته شود. امر به معروف و نهی از منکر به مثابه دو اصل زیربنایی اسلام برای اهتمام افراد به اصلاح جامعه و مبارزه همیشگی با فساد و ناهنجاری است و افراد را به وسیله واداشتن به نوعی نظارت و کنترل اجتماعی غیررسمی در قالب یک مسئولیت همگانی به مشارکت اجتماعی و سیاسی ملزم می کند و مشارکت فعال مردمی در عرصه سالم سازی اجتماع را به دنبال دارد.

در اندیشه امام خمینی علیه السلام با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجباتی است که در سطح کلان جامعه مطرح می شود، ظرفیت طرح نهادی آن نیز وجود دارد. یکی از احیای های مهم امام علیه السلام در قضیه امر به معروف و نهی از منکر، خارج کردن آن از دایره تنگ جزئیات و متوجه کردن مردم به امور مهم و معروف ها و منکرهای بزرگ در جامعه بود که این مسئله خود نیازمند داشتن نگاهی نهادی به اصل امر به معروف و نهی از منکر است. امام خمینی علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر را در جایگاه دو اصل اصلاحی جامعه، مسئولیتی همگانی می دانست که اختصاص به قشر خاصی ندارد و تفاوتی بین اقشار و طبقات گوناگون جامعه در این امر نیست.^۱ ایشان عمده وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در امور کلان می داند و می فرماید: «ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده ایم و به مواردی که ضررش برای خود افرادی که مرتکب می شوند یا ترک می کنند، محصور ساخته ایم؛ ولی به آن منکرات بزرگ توجه نداریم. باید کسانی را که حیثیت اسلام را از بین می برند و حقوق ضعفا را پایمال می کنند، نهی از منکر کرد».^۲

امام خمینی علیه السلام افزون بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را یک اهرم نظارتی در روابط متقابل میان افراد با یکدیگر می داند، دایره شمول آن را فراتر برده است و آن را در برابر عملکرد و رفتار متصدیان امور جامعه نیز مطرح می کند. ایشان در این باره می فرماید: «الآن مکلفیم ما، مسئولیم همه مان، مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان، بلکه مسئول کارهای دیگران هم هستیم».^۳

۱. سیده فاطمه فقیه خلیجانی، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، ص ۱۷۸.

۲. سیدروح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۱۸.

۳. همو، صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۸۷.

امام علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید:

ما اگر نظارت نکنیم، یعنی ملت اگر نظارت در امور دولت و مجلس و ... نکنند، اگر کنار بروند و مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد. ما باید ناظر به امور باشیم. مردم باید ناظر باشند به اموری که در دولت می‌گذرد، اموری که در مجلس می‌گذرد، به اینها توجه کنند.^۱

شاخص‌های مشارکت

مشارکت اجتماعی از شاخص‌هایی شکل یافته است که در ادامه برخی از شاخص‌های اساسی و مهم آن بیان می‌شود.

الف) نقش محوری مردم برای تعیین سرنوشت

امام خمینی علیه السلام همواره به نقش محوری مردم در شکل‌گیری حکومت تأکید داشت و معتقد بود سرنوشت هر ملتی باید به دست خود آن ملت تعیین شود.^۲ ایشان در مشروعیت‌بخشی به حکومت و حاکمان، میزان رأی ملت می‌داند و می‌فرماید: «ما تابع آرای ملت هستیم».^۳

ب) نظارت بر عملکرد دولت

نظارت مردم بر عملکرد دولت مردان یکی دیگر از شاخص‌های مشارکت مردم در اندیشه امام خمینی علیه السلام است. ایشان در جایگاه فردی که مدافع مردمی بودن حکومت و مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون است، با تأکید بر اصل سیاسی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، معتقد به مشارکت و نقش فعال نظارتی مردم بود و چنین اظهار می‌داشت: «باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی و در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند؛ هم به مجلس ناظر باشند و هم به کارهای دولت ناظر باشند و اظهار نظر بکنند. هم در مسائل سیاسی، هم در مسائل اجتماعی و هم در مسائلی که دولت عمل می‌کند».^۴

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۰۳ و ج ۶، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۴.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۳.

ج) تعاون و همیاری مردم با یکدیگر

همدلی و همکاری مردم جامعه با یکدیگر برای فائق آمدن بر مشکلات جمعی، از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است که زیرمجموعه مؤلفه مشارکت قرار می‌گیرد. در دین اسلام نیز همکاری و تعاون یکی از اصول و آموزه‌های اساسی آن دانسته می‌شود؛ به گونه‌ای که مردم همواره به مشارکت در کارهای خیر و نیک امر شده‌اند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى». ^۱ امام خمینی علیه السلام سرچشمه تعاون و همدلی مردم را در تحول روحی و معنوی ایجادشده در آنها می‌داند؛ حتی این تحول را به سبب اینکه موجب ایجاد روح تعاون و همدلی در مردم شده بود و در واقع نشان از وجود سرمایه اجتماعی در جامعه است، مهم‌تر از تحول و تغییر نظام حکومتی می‌دانست. ^۲

کتاب‌نامه

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم، «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی»، نشریه سیاست جهانی، س دوم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۲.
۲. صالحی امیری، سیدرضا و اسماعیل کاوسی، سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
۳. علینی، محمد و غلامرضا غفاری، «تحلیل فضای مفهومی سازه اجتماعی در کلام امام علی علیه السلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، س دوم، ش ۴، بهار ۱۳۹۲.
۴. علینی، محمد، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵. عیوضی، محمدرحیم و یوسف فتحی، «رهبری و سرمایه اجتماعی با رویکرد به رهبری امام خمینی» پژوهش‌نامه متین، دوره ۱۳، ش ۵۱، بهار ۱۳۹۰.
۶. _____، «نسبت مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۲، ش ۶۶، ۱۳۹۱.
۷. فتحی، یوسف، سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.

۱. مانده: ۲.

۲. ر. ک به: سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۴۶.

۸. فقیه خلیجانی، سیده فاطمه، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، تهران: عروج، ۱۳۹۲.
۹. فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.
۱۰. مردوخ، بایزید، «مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۶، ۱۳۷۳.
۱۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
۱۲. _____، جهاد اکبر، تهران: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۱.
۱۳. _____، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
۱۴. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
15. Robinson, David(24 May 2000), 'Social Capital, Participation and Consultation', Presentation to World Bank Study Group, Massey University, Auckland, NewZealand Social and Civic Policy Institute .

خاستگاه مقاومت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

«گفتمان مقاومت» که در تقابل با گفتمان ظلم و سلطه جویی است، برای تحقق عدالت و احقاق حق تلاش می‌کند. این تقابل همزاد با تاریخ بشر است. در گزاره‌های دینی، مقاومت با تاریخ ادیان در آمیخته است؛ چنان‌که داده‌های تاریخ انبیا نشان می‌دهد اینان با کاربست «تفکر مقاومت»، امت‌های خویش را در نزاع عدل و ظلم و حق و باطل، به سازش ناپذیری و پایداری سفارش می‌کردند و خود برای برقراری عدالت مأموریت یافتند.^۱

بخش وسیعی از آیات و روایات درباره جهاد، استقامت، صبر، مبارزه با ظلم و حمایت از ستم‌دیدگان و ... اختصاص دارد و رسول اعظم صلی الله علیه و آله خود مأمور به استقامت شده است: «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ».^۲

ادبیات مقاومت در اندیشه امام خمینی علیه السلام، قبل از انقلاب به منظور مبارزه با نظام حاکم و پایداری مردم در این مبارزه شکل گرفت؛ اما بعد از انقلاب و زمان دفاع مقدس این گفتمان گسترده‌تری یافت؛ زیرا سلطه‌طلبی استکبار در برابر جمهوری اسلامی و شکل‌گیری نهضت‌های اصلاحی، سبب شد تفکر مقاومت در سطح کلان مطرح و شعاع آن جهان را فراگیرد و گروه‌های مقاومت مانند حماس و حزب الله با بهره‌گیری از گفتمان‌سازی مقاومت، در برابر استراتژی‌های ظالمانه استکبار - به ویژه آمریکا و صهیونیسم - پایداری کنند. بر این اساس امام علیه السلام را باید طایفه‌دار فرهنگ مقاومت دانست: «امتیاز بزرگ امام این بود که ملت را با مفهوم

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. حدید: ۲۵.

۲. هود: ۱۱۲.

مقاومت آشنا کرد. امام ... مقاومت را به این ملت تزریق کرد؛ لذا ملت ایران امروز یک ملت کاملاً مقاوم و کاملاً مستحکم است»^۱.

این نوشتار در پی تبیین دیدگاه حضرت امام علیه السلام درباره خاستگاه و پشتوانه اندیشه مقاومت است؛ از این رو نتیجه می‌گیرد ایشان در بیشتر موارد «گفتمان مقاومت» را به آیات، روایات، عقل، تاریخ و طبیعی بودن مستند می‌کند.

مفهوم مقاومت

مقاومت از ریشه ماضی «قام» و مصدر «ق-و-م» به معنای نگهداری، پایداری، ایستادگی^۲، اراده، راست شدن^۳، اعتدال، ثبات و استمرار^۴ آمده است؛ همچنین در فرهنگ‌های فارسی به ایستادگی و پایداری^۵ تعریف شده است.

واژه «مقاومت» در قرآن و روایات بیان نشده است؛ اما واژگان مترادف، هم‌معنا، جانشین و مرتبط با آن در قرآن و روایات گزارش شده است. مشتقات فعلی و هم‌معنای مقاومت، به گونه‌ای امر به استقامت: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ»^۶ «فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ»^۷ و «... اسْتَقَامُوا»^۸ آمده است؛ همچنین معنای جهاد در آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^۹، استواری و قیام برای خدا در آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ»^{۱۰} یا مفهوم مخالف در آیه «مَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»^{۱۱} گزارش شده است.

مقاومت در اصطلاح علم اخلاق به معنای صبر است: «اما الصبر فهو مقاومة النفس الهوى

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52847>.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۲۳۳.

۳. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۳.

۴. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵، ص ۲۰۱۷.

۵. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، ص ۷۲۴۷.

۶. هود: ۱۱۲.

۷. یونس: ۸۹.

۸. فصلت: ۳۰.

۹. توبه: ۷۳.

۱۰. سبأ: ۴۶.

۱۱. آل عمران: ۱۴۶.

لثلا تنقاد لقبائح اللذات: صبر همان ایستادگی نفس در برابر خواهش هاست تا گرفتار لذت‌های زشت نشود.^۱ همچنین «صبر» ضد صفت «جزع» است که عبارت است از ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب‌نشدن در بلا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید، به گونه‌ای که سینه او تنگ نشود و خاطر او پریشان نگردد.^۲

از تعاریف ارائه‌شده برمی‌آید مقاومت به رویارویی در میدان جنگ محدود نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم‌زننده تعادل را دربر می‌گیرد؛ خواه عامل درونی باشد، مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز. مراد از خاستگاه مقاومت، همان منشأ و پشتوانه مقاومت است.

خاستگاه قرآنی «اندیشه مقاومت»

امام خمینی علیه السلام معتقد است مقاومت پشتوانه قرآنی دارد؛ زیرا آیات متعددی درباره جهاد، صبر، حمایت از مظلومان، مبارزه با مشرکان و ... وجود دارد.

... قرآنی که هر صفحه‌اش را که باز کنی یا مثلاً هر جزئش را که ببینید، راجع به قتال و راجع به کشتار اشخاص طاغوت و برانگیختن مستضعفین در مقابل مستکبرین است ... این قرآنی که سرتا ته آن راجع به فرعون، راجع به اشخاص دیگر و راجع به مستکبرینی که در آن عصر بودند هست.^۳

امام علیه السلام به موارد بسیاری از عرصه مقاومت اشاره می‌کند که خاستگاه قرآنی دارد؛ در ادامه این نوشتار به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. دعوت به اسلام

یکی از عرصه‌های مقاومت، مقاومت برای دعوت به اسلام است؛ یعنی هم خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و هم مردم مأمور به این مسئله امر شده است؛ چنانچه امام راحل ذیل آیات «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُمْ» و «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُمْ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ»^۴ می‌فرماید: «این آیه شریفه در دو جای قرآن هست: یکی در سوره شوری هست، یکی در سوره هود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در سوره هود را یاد می‌آورد، و

۱. احمد بن محمد ابن مسکویه، تهذیب الأخلاق، ص ۱۰۲.

۲. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۸۱.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۹۹.

۴. «استقامت کن چنانچه مأمور شده‌ای به همراه آنان که با تو بازگشتند» (هود: ۱۱۲).

تفاوت مابین سوره "هود" و سوره "شوری" این است که آنجا "وَ اسْتَقِيمَ كَمَا امْرُتٌ" است، اینجا "فَاسْتَقِيمَ كَمَا امْرُتٌ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ" است. برای اینکه نگران بوده است پیغمبر از اینکه اشخاصی که همراهش هستند، نتوانند استقامت کنند. خوب، خودش استقامت می‌کرده است؛ اما "وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ" هم مأمور است؛ یعنی همان طوری که پیغمبر به استقامت و مقاومت مأمور است، هرکس هم همراه اوست و به او گرویده است، همین مأموریت را دارد (...).^۲

در جای دیگری می‌فرماید:

... این استقامت موجب شد که با اینکه هیچ در دست نداشت و تمام قوای قدرتمندان بر خلاف او بود - به طوری که در مکه نمی‌توانست به طور علنی دعوت کند - لکن مایوس نمی‌شد از اینکه نمی‌تواند علناً مردم را دعوت کند. تا وقتی که تشریف بردند به مدینه، مأمور شدند که مردم را دعوت کنند به قیام: "قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأْحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ"^۳، در اینجا دعوت به قیام است. دعوت جمع به قیام جمع است؛ و مهم قیام لله، برای خدا).^۴

۲. مبارزه علیه اسرائیل

یکی از سیاست‌های راهبردی امام علیه‌السلام، مبارزه علیه اسرائیل است. شاید امام علیه‌السلام در عصر کنونی نخستین کسی است که خطر اسرائیل را اعلام و خواستار حذف آن از دنیا گردید:

از اول با اسرائیل مخالف بوده‌ایم؛ بیشتر از بیست سال است که صحبت‌های ما همیشه راجع به این بود که اسرائیل نباید یک کشور مستقلی باشد و باید این ظالم را از این دنیا برداشت، خطر دارد، خطرناک است.^۵

درواقع یکی از مواردی که امام علیه‌السلام به قرآن استناد می‌کند، مبارزه علیه اسرائیل است؛ زیرا در گزاره‌های قرآنی سفارش شده است با کافران بجنگید تا فتنه و فساد از جامعه برداشته شود. بی‌تردید رژیم غاصب صهیونیستی فتنه‌انگیز بزرگ و مفسد است؛ ایشان ذیل آیه «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَ اخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا

۱. شوری: ۱۵.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۰۰.

۳. «بگو که من يك سخن را به شما پند می‌دهم که برای خدا قیام کنید» (سبأ: ۴۶).

۴. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۴۵.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۶۵.

تَكُونُ فِتْنَةً^۱ می فرماید:

... اکنون که دولت غاصب اسرائیل، برای فتنه‌انگیزی بیشتر و تجاوزز زیادت‌تر به سرزمین‌های عربی و ادامه دست غاصبانه در قبال صاحبان حق، به پاخاسته و آتش جنگ را برای چندمین بار شعله‌ور ساخته است و برادران مسلمان ما در راه ریشه‌کن کردن این ماده فساد و آزادی فلسطین ... به جنگ پرداخته‌اند، بر عموم دولت‌های ممالک اسلامی و خصوص دول عربی لازم است که ... برای آزادی فلسطین و احیای مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند.^۲

۳. مبارزه با استکبار

یکی از سیاست‌های راهبردی، استکبارستیزی^۳ و مبارزه با سلطه‌خواهی مستکبران است؛ زیرا امام استکبارستیزی را به اقتضای اصول شریعت اسلام یک وظیفه و راهبرد همیشگی برای تمامی مسلمانان می‌پندارد. چنان‌که امام علیه السلام بارها مردم ایران و مسلمانان را از سلطه‌پذیری برحذر می‌داشت؛ زیرا در منظومه فکری ایشان تسلط کافران بر مسلمان حرام است؛ با این وجود تا زمانی که مستکبران عالم به استکبارگری مشغول‌اند، جمهوری اسلامی ایران در برابر آنان موضع خواهد گرفت و همچنان شعار ضدیت با استکبار را سر خواهد داد: «چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمر و ادامه‌داری است».^۴ بر این اساس امام علیه السلام می‌فرماید: قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمُسلم بر مُسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: "لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا"^۵ اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین.....^۶

همچنین می‌فرماید:

... ما منطلقان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد باید شما

۱. بقره: ۱۹۳.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۲.

3. Antyarogancja.

4. <https://farsi.khamenei.ir=49658>.

۵. نساء: ۱۴۱.

۶. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۷.

تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه. ما اصل گفتنمان این است که آمریکا نباید باشد. نه آمریکا تنها، شوروی هم نباید باشد.^۱

نیز می‌فرمایند:

ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم... آن چیزی که شما می‌خواستید، جمهوری اسلامی بود؛ آن چیزی را که شما می‌خواستید، نه شرقی و نه غربی بود، این را حفظش کنید.^۲

جالب است بدانیم امام تصریح می‌کند ما راه سازش با آمریکا می‌دانیم؛ اما این امر خیانت به مردم و با فرهنگ شهادت‌طلبی و آزادی ما منافات دارد:

... کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم؛ ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند... اگر بندگان استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتش مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.^۳

۴. قدرت نظامی^۴

امام علیه‌السلام در عرصه نظامی نیز به آیات استناد می‌کند و باور دارد عامل مهم بازدارندگی در برابر تجاوز دشمن، تقویت بنیه دفاعی و آمادگی نظامی است؛ همچنین زندگی عزت‌مندانه و عظمت اسلام مبتنی بر استفاده از قدرت نظامی است:

... در وضع کنونی برای ما جز ادامه پیکار با همه نیروها و امکاناتمان راهی وجود ندارد تا عزت و شرافت خود و آیندگان را در طول تاریخ با عظمت اسلامی به دست آوریم.

قرآن می‌فرماید: "وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ"؛^۵ هر قدر که می‌توانید برایشان نیرو و سواره نظام آماده کنید تا بر

۱. همان، ص ۹۲.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۶۲-۶۳.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۹۸.

4. military power.

۵. انفال: ۶۰.

دشمن خدا و دشمن خود چیره شوید. «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛^۱

اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری می‌کند و قدم‌های شما را استوار می‌دارد.^۲

همچنین امام علیه السلام در لزوم توجه کامل به آیه فوق می‌فرماید:

این کشور را برای دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد ...^۳

خاستگاه روایتی «اندیشه مقاومت»

امام خمینی علیه السلام در عرصه‌های گوناگون «اندیشه مقاومت» را از روایات بهره می‌گیرد که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۱. حمایت از مظلومان مسلمان

در انگاره امام خمینی علیه السلام، حمایت از مردم به‌پاخاسته از وظایف مهم مسلمان - به‌ویژه دولت‌های اسلامی - است؛ زیرا دفاع از مظلوم، از مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه مؤمنانه است. بر اساس حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۴، مسلمان نباید در برابر مسلمانان دیگر که مورد ظلم واقع شده‌اند، بی‌تفاوت باشد؛ از این‌رو خطاب به مسلمانان، سران کشورها و نهادهای اسلامی می‌فرماید:

... مسلمان اگر بخواهد اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان [نیست]؛ لَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ "مَنْ اصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِامْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ".^۵ هی هم بگو لا اله الا الله، مُسْلِمٌ نِيسْت ... مُسْلِمٌ اَنْ اَسْتِ كِه بِه دَرْدِ مُسْلِمِينَ بَخُورْد ... آقا کشتند جوان‌های ما را. ما بی‌تفاوت باشیم؟ ... کشتند مؤمنین و مسلمین را، ما بی‌تفاوت

۱. محمد: ۷.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۵۸.

۴. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۲۰.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

باشیم؟ ...^۱

همچنین بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، سران و نهادهای اسلامی را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

من امروز مواجهم با چهره‌های معصومی که تحت ستمکاری‌های ابرقدرت‌ها به دست عمالشان یتیم شده‌اند، آواره شده‌اند. ادعاها زیاد است. ادعای اسلام، همه سران کشورها دارند...؛ لکن در مقام امتحان، عمل‌ها موافق با ادعاها نبود... طرفداران اسلام در طائف جمع شدند... لکن چه گفتند و چه کردند؟ آیا اسمی از این اطفال معصومی که به دست صهیونیسم بی‌پدر شده‌اند بردند؟... آیا نمی‌دانستند که در جنوب لبنان، در فلسطین و در ایران و در عراق و در سایر کشورهای اسلامی چه می‌گذرد... و چه اطفال بی‌گناه صغیر را بی‌پدر کرده‌اند؟ آیا نشنیده‌اند اینها حدیث رسول خدا ﷺ را که "کسی که صبح کند و اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد مسلم نیست؟ مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ"^۲ آیا اینها اهتمام داشتند به امور مسلمین جهان؟ آیا به نص حدیث شریف، اینها را ما می‌توانیم جزء مسلمین محسوب داریم؟ ...^۳

۲. وظیفه عالمان مسلمان

امام علیه السلام باور دارد حمایت از مسلمانان در برابر ظلم و جنایت غارت‌گران وظیفه عالمان است: ... علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به سر ببرند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند از علمای اسلام تعهد گرفته که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند: "سوگند به آن‌که بذر را بشکافت و جان را بیافزید، اگر حضور یافتن بیعت‌کنندگان نبود و حجت بر لزوم تصدی من با وجود یافتن نیروی مددکار تمام نمی‌شد و اگر نبود که خدا از علمای

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۴۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. همان.

اسلام پیمان گرفته که بر پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی جانکاه و محرومیت ستمدیدگان خاموش نمانند، زمام حکومت را رها می‌ساختم.^۱ امروز چطور می‌توانیم ساکت و بی‌کار بنشینیم و بینیم عده‌ای خائن و حرام‌خوار و عامل بیگانه به کمک اجانب و به زور سرنیزه ثروت و دسترنج صدها میلیون مسلمان را تصاحب کرده‌اند؟ وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند...»^۲.

خاستگاه طبیعی «اندیشه مقاومت»

مقاومت از اصول اولیه زندگی بشری است؛ زیرا انسان در مسیر زندگی با بی‌عدالتی، حق‌کشی و سختی‌ها روبرو می‌شود که مستلزم تاب‌آوری است؛ از این‌رو انسان در بسیاری از موارد به گونه‌ای غریزی و طبیعی در برابر ظلم، از بین رفتن حقوق، حفظ جان و مال خود و... واکنش نشان می‌دهد. از سوی دیگر «مقاومت» حق طبیعی انسان است؛ به همین دلیل انسان برای گرفتن حق خویش پایداری و مانع‌زدایی می‌کند. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید:

از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حقّ جوان‌ها می‌دانیم؛ جوان‌های عراق، جوان‌های سوریه، جوان‌های لبنان، جوان‌هایی در شمال آفریقا، جوان‌هایی در مناطق شبه‌قاره... هستند که در مقابل آمریکا مقاومت می‌کنند...^۳

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «... به - آن کسی که ستم شده است، می‌تواند حقّ خود را مطالبه کند. مردم فلسطین می‌توانند حقّ خود را از غاصبان مطالبه کنند...»^۴

امام خمینی علیه السلام نیز استقامت در برابر زورگویی و دفاع از حق را امر طبیعی انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید:

طبیعی ساختمان بشری است که هرچه ستمکاری و ظلم و بی‌عدالتی در جامعه و ملتی اوج گیرد، به همان نسبت قوه مقاومت در ملت رشد می‌کند. شاهد زنده، اوضاع اخیر ایران است.^۵

۱. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۶۲.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کتاب ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی علیه السلام، ص ۳۸.

۳. <https://farsi.khamenei.ir/=40833&nt>.

۴. <https://farsi.khamenei.ir/=8980&>.

۵. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۱۰.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام می‌فرماید: «امام علیه‌السلام مسیر مقاومت را انتخاب کرد. پشتوانه انتخاب مقاومت از سوی امام بزرگوار ... واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باسرفی در مقابل تحمیل و زورگویی است ...»^۱.

خاستگاه عقلی «اندیشه مقاومت»

عقل یکی از خاستگاه‌های «اندیشه مقاومت» است؛ عقلی که از منابع اصلی احکام اسلام به شمار می‌آید و نقش اساسی در استخراج و استنباط احکام دارد. در روایات از عقل در جایگاه حجت باطنی یاد شده است.^۲ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ: همه خوبی‌ها با عقل شناخته می‌شوند و کسی که عقل ندارد، دین ندارد».^۳

عقل، حسن و قبح افعال را درک و بر آن حکم می‌کند. همان‌گونه که عقل، عدل را ستایش و ظلم را نکوهش می‌کند، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم به حکم عقل ثابت است؛ همچنین زشتی بی‌عدالتی و زورگویی با حکم عقل ثابت و خردمندان عالم تلاش برای احقاق حقوق آدمی را پسندیده و تسلیم در برابر ظالم را نکوهش می‌کنند.^۴

امام خمینی علیه‌السلام «تفکر مقاومت» را از روی احساسات ارائه نمی‌کند، بلکه باور دارد «گفتمان مقاومت» از خاستگاه عقلی برخوردار است؛ برای مثال مبارزه مردم غزه علیه اسرائیل و آمریکا عقلانی است؛ زیرا به اینان ظلم و سرزمین‌شان غصب شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره مبنای امام می‌فرماید:

... امام مسیر مقاومت را انتخاب کرده است. مطلب مهم این است که امام، مقاومت را از روی هیجان‌زدگی و از روی احساسات زودگذر انتخاب نکرد؛ پشتوانه انتخاب مقاومت از سوی امام بزرگوار ما یک پشتوانه منطقی است، پشتوانه عقلانی است ...^۵ بر همین اساس امام علیه‌السلام مبارزه با ظلم و دفاع از جمهوری اسلامی را برخاسته از عقل می‌داند و می‌فرماید:

... الان هر جای دنیا کسی برود، توجهش به ایران است ... این برای این است که ...

1. <https://hawzah.net/fa/Article/View/99526>.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶.

۳. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۴.

۴. محمد حکیمی و اصغر افتخاری، «مؤلفه‌های مفهومی مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای علیه‌السلام»، ص ۱۰۳-۱۳۷.

۵. سعید صالح میرزایی، اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ص ش.

ما دفاع مقدس می خواهیم بکنیم، یعنی ما می خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم؛ این يك دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافقند ...^۱

امام علیه السلام همچنین حمایت از مظلومان جهان را عقلانی می داند؛ رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید:

امام ... اعلام کرد که ما نه ظلم می کنیم، نه زیر بار ظلم می رویم؛ ظلم نمی کنیم، اما زیر بار ظلم هم نمی رویم ... و از مظلوم حمایت می کنیم ... با ظلم مقابله کردن، از مظلوم دفاع کردن ... چیزی است که همه خردمندان عالم آن را می پسندند.^۲

خاستگاه تاریخی «اندیشه مقاومت»

در قرآن «سیر» در زمین و بررسی سرنوشت ملت‌ها توصیه شده است؛^۳ به همین دلیل امام خمینی علیه السلام اهمیت خاصی برای تاریخ قائل است.^۴ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام نیز تاریخ را منبع شناخت رخدادهای معرفی و می فرماید:

اگر تاریخ یک چیز اصلی نبود، قرآن با این عظمت - که اصلاً برنامه انسان‌سازی و برنامه بشریت است - تاریخ را وارد خودش نمی کرد؛ اما شما می بینید که در قرآن تاریخ هست ...؛ بنابراین تاریخ مهم است.^۵

بر این اساس امام به نمونه‌هایی از تاریخ انبیا، تاریخ اسلام، ایران و تاریخ تشیع اشاره می کند که در ادامه نمونه‌هایی از این موارد بیان می شود.

۱. تاریخ انبیا

یکی از خاستگاه مقاومت، تاریخ انبیای الهی است. قرآن تقابل پیامبران با ظالمان و همراهی و استقامت بسیاری از مؤمنان با آنان را چنین گزارش می نماید:

وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ:

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۵۸.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=259311398/03/14>.

۳. غافر: ۸۲.

۴. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n21382>.

۵. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31363>.

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند [و تن به تسلیم ندادند]؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.^۱

امام خمینی علیه السلام برای تبیین «گفتمان مقاومت» از تاریخ انبیا بهره می‌گیرد و می‌فرماید: «مردهای تاریخ بسیاریشان تنها ایستادند در مقابل قدرت‌ها. حضرت ابراهیم تنهایی ایستاد و بت‌ها را شکست^۲». همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «... عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می‌کردند، برای اینکه معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند ...^۳». نیز می‌فرماید: «تمام زحمت‌ها [بی] که اینها کشیدند، چه از حضرت نوح گرفته، از حضرت ابراهیم گرفته تا آمده است اینجا به رسول اکرم رسیده است، تمام مشقت‌هایی که کشیدند ... یک مطلب است و او معرفی ذات مقدس حق [است]».^۴

۲. تاریخ اسلام

«تاریخ اسلام» یکی از عرصه‌های تاریخی است که امام علیه السلام بدان استناد می‌کند؛ چنان‌که بارها در تبیین «اندیشه مقاومت» تاریخ اسلام را بن‌مایه «ادبیات مقاومت» ذکر می‌کند و باور دارد تاریخ اسلام پر از مقاومت در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است. امام راحل به اهمیت، صیانت و اجرای اسلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌نماید و می‌فرماید: «اسلام و احکام اسلام آن‌قدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام، از صدر اسلام به بعد، بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند ...».^۵ در کلامی دیگر می‌فرماید: «... پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نگران بود راجع به اینکه آیا ملتش استقامت می‌کنند یا نه؟ ... به نظر می‌رسد که نگران بوده است از اینکه ملتش و امتش مبدا خدای نخواستہ استقامت نکند ...»؛ همچنین فرمود: «پیغمبر اکرم ... این‌طور نبود که بنای او این باشد که بنشیند توی خانه ... مردم را تجهیز می‌کرد برای مقاومت».^۶

۱. آل عمران: ۱۴۶.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۵.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۱۱۵.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۴۰۹.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۵.

امام علیه السلام به محاصره اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله توسط مشرکان اشاره می‌کند که دشمن بزرگ‌ترین تحریم اقتصادی را علیه مسلمانان اعمال کرد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر تحمل کرد در مکه و ده سال آن قدر رنج کشید ... آن رنج‌هایی که برای رسول خدا حاصل شد که در محاصره، سه سال در يك محاصره، به همه معنا بود که حتی برای خوراك چیزی پیدا نمی‌کردند»^۱.

۳. تاریخ ایران

یکی از عرصه‌های دیگر تاریخی که امام بدان اشاره می‌نمایند، «تاریخ ایران اسلامی» است. ایشان روش‌های خصمانه حکومت علیه مردم ایران و ملت ایران در برابر ستم‌های حکومت شاه را گزارش می‌کند و از عبرت‌های دوران مشروطیت سخن می‌گوید؛ برای مثال نهضت مشروطه را عبرتی بزرگ و اختلاف عالمان را سرچشمه شکست آن نهضت بیان می‌کنند:

در مشروطه این‌طور نبود، در مشروطه هر دو طرف قوی بودند. نجف بعضی علمای درجه اول مخالف بودند، بعضی علمای درجه اول موافق بودند. در ایران هم بین علما همین جور اختلافات را ایجاد کردند... ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبادا...
خدای نخواست آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد، در ایران اتفاق بیفتد...^۲

همچنین قیام مردم ایران را قیام برای خدا می‌داند و همگان به استقامت سفارش می‌کند: «شما ملت قیام کردید، و بحمدالله قیام شما برای خدا بود، همه فریاد می‌زدید که ما "جمهوری اسلامی" می‌خواهیم. برای احکام اسلام قیام کردید...»^۳ نیز فرمود: «ملت شریف و مسلمان ایران با اتکال به خدای تعالی و با صبر و مقاومت و مبارزات پیگیر خود توانست خود را از چنگال آمریکای جهان‌خوار و مزدورانش نجات بخشد...»^۴.

۴. تاریخ دفاع مقدس

یکی از عرصه‌های تاریخ ایران، «تاریخ دفاع مقدس» است. امام علیه السلام معتقد است ما جنگ را شروع نکردیم؛ زیرا ما صلح و صفا را برای ایران و جهان می‌خواهیم؛ اما اگر به کشور و تمامیت ارضی ما تجاوز شود، قاطعانه دفاع و زیر بار ظلم نمی‌رویم؛ چراکه ظلم‌پذیری حرام است:

۱. همان، ج ۱۸، ص ۴۲۲.

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. همان، ج ۷، ص ۴۹۴.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۴۸۸.

ما می‌خواهیم عالم در صلح باشد. ما می‌خواهیم همه مردم، همه مسلمین و غیرمسلمین همه در صلح و صفا باشند؛ لکن معنایش این نیست که اگر يك کسی بخواهد بریزد در منزل یک کسی و تعدی کند، ما بگوییم که سر صلح داشته باشید و تن بدهید به ظلم. نه، همان طوری که ظلم حرام است، انظلام و تن دادن به ظلم هم حرام است.^۱

نیز فرمود: «... ما برای حفظ اسلام دفاع باید بکنیم، برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم...».^۲

۵. تاریخ تشیع

امام خمینی علیه السلام باور دارد تاریخ تشیع با مبارزه با ظالمان درآمیخته است: «یکی از خصلت‌های ذاتی تشیع از آغاز تا کنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد ...».^۳ همچنین می‌فرماید:

تشیع همان طور که مظهر مقاومت بوده است در تمام اعصار، از صدر اسلام، تشیع مظهر مقاومت و دفاع از حق بوده است؛ اما هرگز اهل ظلم و ستم نبوده است. حکومت‌هایی که بر اساس مذهب تشیع پیش آمده ... همان طور که ظلم را تحمل نمی‌کرده‌اند، تحمیل ظلم را هم نمی‌کنند....^۴

۶. تاریخ قیام لبنان و فلسطین

یکی از عرصه تاریخی که امام علیه السلام گزارش می‌دهد، مقاومت مردم فلسطین و لبنان است. درخوانش و قرائت امام علیه السلام، مقاومت مردم فلسطین و لبنان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ از این‌رو روز جمعه آخر رمضان را «روز قدس» اعلام کردند و بدین سان مبارزه علیه رژیم اشغالگر را نهادینه نمود و همه مردم را به حمایت مردم فلسطین فراخواند:

اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین ... خروش برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده‌اند، با کدام عذر در

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۱۷.

۲. همان.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۰۸.

۴. همان، ص ۵۳۳.

مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی‌تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروع‌شان از مشتی دغل‌باز، با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند؟ باشد که فریاد همدردی آنان دولت‌ها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست آمریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیل را می‌فشارد، قطع کنند و خود و ملت‌های مظلوم جهان را نجات دهند.^۱

کتاب‌نامه

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: علی‌اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۲. ابن‌فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن‌مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الأخلاق و تطهیر الاعراق، محقق: عماد هلالی، قم: طلّیعه نور، ۱۴۲۶ ق.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال‌الدین میردامادی، ج ۳، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، تهران: چاپخانه مهارت، ۱۳۸۲.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطار، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۷. حکیمی، محمد و اصغر افتخاری، «مؤلفه‌های مفهومی مقاومت در اندیشه امام‌خامنه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۴۱، تابستان ۱۴۰۱.
۸. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۹. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة، چاپ اول.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۱۰. صلح میرزایی، سعید، اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، ج ۲، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۶.
۱۴. _____، کتاب ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی رحمته‌الله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، [بی‌تا].

سایت‌ها

1. <https://farsi.khamenei.ir/=8980&>
2. <https://hawzah.net/fa/Article/View/99526>

مبانی سیاسی امام خمینی علیه السلام از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

مقدمه

امام خمینی علیه السلام را به حق می‌توان یکی از شخصیت‌های نادر معاصر دانست که بسیاری از اندیشمندان جهان بدان اذعان دارند. دکتر مصطفی ایوب^۱ درباره رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: «بنده معتقدم که تاریخ، امام خمینی علیه السلام را به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت جهانی قرن بیستم معرفی خواهد کرد؛ زیرا او فردی بود که هم نبوغ سیاسی و هم نبوغ دینی داشت». ^۲ او در ادامه بیان می‌دارد: «من بر این باورم که از لحاظ قدرت فکری، امام تنها یک فرد یا پدیده فردی نبود، بلکه یکی از سازندگان تاریخ بود». ^۳

احمد هوبر^۴ می‌گوید:

هنگامی که من از سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ (۱۳۵۶ - ۱۳۵۷) به مطالعه درباره امام خمینی علیه السلام به‌ویژه از منابع ایرانی شروع نمودم، به طرز عجیبی شگفت‌زده شدم؛ چراکه امام خمینی علیه السلام اولین رهبر مذهبی در قرن ماست که انقلابی را به وجود آورد که هم‌زمان سه وجهه مذهبی، سیاسی و فرهنگی را در خود جمع کرده بود. تمام انقلابیون قرن ما نظیر لنین، مائوتسه تونگ یا آدولف هیتلر و موسولینی، یک انقلاب سیاسی و اجتماعی را به وجود آوردند؛ اما چون آنان بویی از مذهب نبرده بودند، راه و روش‌هایشان امروزه کهنه شده و طرف‌دارهایشان به پایان خط رسیده‌اند؛ ولی امام

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

۱. دانشمند مسلمان آمریکایی و مسئول گروه مطالعات ادیان در دانشگاه تامبل آمریکا.

۲. عبدالکریم پاک‌نیا، «امام خمینی علیه السلام از منظر دانشمندان جهان»، ص ۱۴.

۳. همان.

۴. اندیشمند مسلمان اهل سوئیس.

خمینی علیه‌السلام اولین رهبر مذهبی است که دین، سیاست و فرهنگ را یک جا به کار گرفته و به همین دلیل نیز ادامه خواهد یافت.^۱
بیان برخی از نمونه‌ها از باب این است که:
خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

یکی از روش‌های شناخت شخصیت‌ها، شناخت ایشان از زبان دیگران است؛ از این‌رو در بررسی شخصیت امام علیه‌السلام، لازم است پای سخنان کسانی نشست که به گونه‌ای انیس و مونس ایشان در جریان مبارزات علیه نظام طاغوتی و نیز در طول انقلاب اسلامی همراه او بودند و با تفکر ایشان آشنا هستند.

مقام معظم رهبری یکی از این افراد هستند که افزون بر همراهی از ابتدای نهضت امام علیه‌السلام با ایشان، تربیت‌شده این مکتب هستند.

مقام معظم رهبری به حق معتقد است حضرت امام خمینی علیه‌السلام همه ویژگی‌های نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها به‌ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، با هم داشت و با این ویژگی‌ها توانست تخت فرعون‌های زمانه را بلرزاند، دل مستضعفان را به نور امید روشن کند، جهان اسلام را به حرکت درآورد و به انسان‌ها بفهماند که انسان کامل شدن، علمی‌وارزیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش‌رفتن، افسانه نیست.^۲

در بیانی دیگر ایشان، یاد امام خمینی علیه‌السلام را یادآور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران می‌دانند؛ چراکه یادآور اسوه‌شدن و قدوه‌شدن ملت ایران برای همه امت اسلامی و ملت‌های مستضعف است^۳ و آرمان‌ها و آرزوهای امام خمینی علیه‌السلام، امروز از هر چیز دیگر زنده‌تر است و دنیا هم از آنها می‌ترسد.^۴

ایشان علت ماندگاری این راه و موفقیت امام در تحقق اهدافشان را اخلاص بیان می‌دارند:

۱. عبدالکریم پاک‌نیا، «امام خمینی علیه‌السلام از منظر دانشمندان جهان»، ص ۱۴.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۷/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=.3463>

۴. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار وزیر دفاع و جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروهای سه‌گانه ارتش

جمهوری اسلامی ایران و وزارت دفاع، ۱۳۶۸/۳/۱۸، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۸۱>.

امام آن کاری که کرد - و عظیم‌ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص، اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای اینکه این کارها را پیش ببرد، کافی نبود.^۱

به‌درستی می‌توان امام خمینی علیه السلام را یکی از مصادیق این کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج‌البلاغه دانست:

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتْرَفُونَ وَ اَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِاَبْدَانٍ اَزْوَاحَهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى؛ أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ؛ آه آه، شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ:

آنان با نور دانش به حقیقت ادراک و بصیرت رسیدند و جوهره یقین را با جان خود دریافته‌اند و آنچه را که بر افراد رفاه‌طلب دشوار می‌نمود راحت و آسان گرفته و با آنچه که ناآگاهان از آن بیم داشتند مأنوس شدند. با بدن‌هایی هم‌نشین دنیا گشتند که روح‌های آنها به [قله‌های رفیع] عالم ملکوت پیوند خورده است. آنان جانشینان خدا در زمین او و دعوت‌کنندگان مردم به سوی دین اویند. آه آه، چقدر مشتاق دیدارشان هستم.^۲

بیان این نکته در این میان قابل توجه است که شخصیت امام خمینی علیه السلام مانند بسیاری از بزرگان مؤثر در تاریخ، دارای ابعاد گوناگونی بود که هرازگاهی بُعدی از ابعاد آن شخصیت ممتاز تاریخی مشخص می‌شود. ایشان افزون بر اینکه در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و ... دارای مبانی خاصی بودند، در مباحث سیاسی نیز با تکیه بر معارف و اندیشه اسلامی خود دارای مبانی خاصی بودند که این مبانی را می‌توان در رفتارهای سیاسی ایشان مشاهده کرد. در این نوشتار به بُعد سیاسی و به گونه‌ای مبانی و اندیشه‌های سیاسی ایشان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌ایم.

به طور کلی می‌توان اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را در این کلام ایشان دانست: «در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاست‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه کشورها، به‌جز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی می‌کنند؛ مبارزه با صهیونیسم؛

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۹/۵، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2860>.

۲. نهج‌البلاغه، ص ۱۴۷.

مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان»^۱.

۱. ایمان به مردم

مقام معظم رهبری مهم‌ترین اصول و قواعد کار امام خمینی علیه‌السلام را در اسلام و مردم خلاصه می‌کند و منشأ اعتقاد به مردم را نیز از دین اسلام می‌داند.^۲ بر اساس همین اندیشه بود که ایشان را به میدان پیروزی این انقلاب و نهضت آوردند. ایشان در بیانی می‌فرمایند: «مهم‌ترین کاری که امام بزرگوار ما کرد، این بود که به انگیزه‌ها و احساسات مردم میدان داد؛ حضور مردم را ممکن کرد».^۳

ایشان در جمع عالمان و روحانیان تبریز در مردادماه سال ۱۳۷۲ در وصف امام علیه‌السلام این‌گونه می‌فرمایند:

بنده عمرم با علما و بزرگان و قشرهای مختلف روحانی گذشته است؛ اما احدی را ندیده‌ام که این قدر به مردم خوش‌بین باشد و در مردم مایه‌ها و جوهر رشد سراغ داشته باشد. آن ایمانش به خدا بود و آن ایمانش به مردم "یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین"؛^۴ همچنین در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۴۰۰ از اعتقاد امام علیه‌السلام به مردم این‌گونه بیان می‌دارند:

امام بزرگوار به مردم خیلی اعتقاد داشت؛ به توانایی‌های مردم، به عزم مردم، به وفاداری مردم و ما خاطره‌ها داریم [از این]، ایمان عجیب ایشان. یعنی سال ۴۱ که همان اول شروع نهضت [بود]، امام در درس یک روز بحث را کشاندند به مسائل سیاسی و همان

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۹۲، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22788>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۸۲، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3180>.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۷/۱۲/۱۳۸۰، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>.

۴. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۲۱.

۵. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در جمع علما و روحانیون تبریز، ۵/۵/۱۳۷۲، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4010>.

مسئله جاری، اشاره کردند به بیابان قم و گفتند اگر ما دعوت کنیم، مردم این بیابان را پُر خواهند کرد. سال ۴۱ که هیچ کس تصوّر نمی‌کرد که بتوان مردم را در یک چنین حرکتی همراه کرد و وارد کرد.^۱

مردم در چشم امام علیه السلام، مالک کشور^۲ و اصل اساسی^۳ بودند.

۲. تلفیق جمهوریت و اسلامیت

پیوند جمهوریت و اسلامیت یکی از نوآوری‌های امام خمینی علیه السلام بود که در فصل نوینی نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای دنیای اسلام در تجربه یک الگوی سیاسی متفاوت با آنچه در گذشته تجربه شده بود به شمار می‌آید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

امام این دو کلمه جمهوریت و اسلامی را گره‌گشای مشکلات کشور می‌دانست. گره‌گشای همه مشکلات کشور را همین می‌دانست که ما اسلام را رعایت کنیم و مردم در صحنه حضور داشته باشند؛ نظر امام این بود. اینکه ایشان فرمود "نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد"، یک کلمه کم یعنی جمهوریت بدون اسلامی یا اسلامی بدون جمهوریت؛ این معنا ندارد. امام [فرمود] جمهوریت اسلامی. یعنی حاکمیت اسلام و حاکمیت مردم که اینها با همدیگر درهم‌اند و با هم هیچ‌گونه منافاتی ندارند. حاکمیت اسلام یعنی محتواها و ارزش‌ها و جهت‌گیری‌ها را اسلام معین می‌کند. حاکمیت مردم، یعنی شکل اداره حکومت را مردم تشکیل می‌دهند. حاکمیت اسلام، حاکمیت

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۰/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>.

مقام معظم رهبری: «از جمله مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد. این حرف را در دوران حکومت‌های استبدادی بر زبان جاری می‌کردند که آقا مملکت صاحب دارد. مرادشان از صاحب مملکت، دیکتاتورها و مستبدینی بودند که بر کشور حکمرانی می‌کردند. امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند.»

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۱/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2623>.

مردم؛ اراده مردم مؤثر، احکام اسلام هم دارای تأثیر، این را امام مشکل‌گشا [می‌دانست]؛ واقع قضیه هم همین است که گره‌گشای همه کارهای کشور همین است»^۱.

مردم‌سالاری در اندیشه امام علیه السلام نیز سرچشمه‌ای دینی و اسلامی داشت:

نقشه امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود؛ مقدمه لازم این کار، این بود که نظام پادشاهی که هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم دیکتاتور بود ... در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته اساسی وجود دارد که این دو نکته به هم پیوند خورده است؛ به یک معنا دو روی یک حقیقت است: یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت - که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است - باید در چارچوب شریعت اسلامی باشد. این دو بخش است یا با یک نگاه، دو بُعد از یک حقیقت است.^۲

در کنار باور به مردم، خود نیز با ایشان صادق بود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «[امام خمینی علیه السلام] با مردم صادق بود، با مردم همان‌جوری سخن می‌گفت که دل او بود و احساس قلبی او بود؛ با مردم صادقانه رفتار می‌کرد».^۳

بر اساس همین مبانی اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام، اصل صدوهفتادوهفت قانون اساسی دو عنصر اسلامیت و جمهوریت را عناصر بدون تغییر نظام سیاسی موجود معرفی کرده است. اراده جمهور ملت در جریان انقلاب، نظم کهن را فروریخت و نظامی نو جایگزین آن کرد. اراده‌ای که در نظم نوین و بر اساس قانون اساسی، سامان حیات سیاسی را رقم زد و جمهوریت خود را معطوف به اسلامیت کرد. تا زمانی که چنین اراده و چنان جمهوری قوام و دوام داشته

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۰/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست‌وپنجمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۳/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615>.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۳/۱۴، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>.

باشد، قانون اساسی و اصول و محتوای اسلامیت آن تضمین حیات و بقا به خود می‌گیرد. بر اساس اصول قانون اساسی هم ابتدای نظام سیاسی جدید و هم جریان امور و سازوکارهای آن منبعت از منطق و روح جمهوریت است. اصول ۵۶، ۵۷، ۶، ۷ بند ۸ اصل ۳، ۱۷۷ و ... مبین منطق جمهوریت و مردم‌سالاری است. در صورت‌بندی جمهوری اسلامی اگر اصل جمهوریت را اصلی ماتقدم و بنیادین هم ندانیم و برای آن قائل به موضوعیت نباشیم، دست‌کم جمهوریت برای اسلامیت طریقت دارد و در این حالت نیز قوام و بقا اسلامیت از منظر امام، نظام وابسته به جمهوریت آن است.

۳. آینده‌نگری به مسائل سیاسی

آینده‌نگری، توانایی تصور و برنامه‌ریزی برای آینده است. این امر دربرگیرنده پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو و اتخاذ تصمیم‌هایی است که می‌تواند در بلندمدت نیز دارای فواید و آثار زیادی باشد.

آینده‌نگری کمک می‌کند با آمادگی قابل توجهی با اتفاقات پیش‌رو روبرو شد و با موانع کمتر غیرمنتظره در رسیدن به هدف مواجه شویم. به طور کلی آینده‌نگری و تدبیر لازمه مدیریت انسان در امور فردی و اجتماعی است و انسان بدون آن در زندگی کامیاب و موفق نخواهد شد.

در روایتی امام علی علیه السلام، رمز پیروزی و موفقیت در امور را، آینده‌نگری بیان می‌کنند. امام علیه السلام می‌فرماید: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ يَا جَالَةَ الرَّأْيِ، وَ الرَّأْيُ يَتَخَصِّصُ الْأَسْرَارَ: پیروزی به دوراندیشی است و دوراندیشی به جولان اندیشه و اندیشه به نگاه‌داشتن اسرار است»^۱. که در بخش نخست این روایت پیروزی را در گرو تدبیر و آینده‌نگری می‌دانند. «حَزْم» به معنای دوراندیشی و مطالعه عواقب کار یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی است؛ زیرا افراد سطحی‌نگر که گرفتار روزمرگی هستند، در برابر حوادث پیش‌بینی نشده به‌زودی به زانو درمی‌آیند و رشته کار از دست‌شان بیرون می‌رود و شکست می‌خورند.

همچنین امام علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَخَذَ بِالْحَزْمِ اسْتَظْهَرَ وَمَنْ أَضَاعَ الْحَزْمَ تَهَوَّرَ: کسی که حزم و دوراندیشی بگیرد، پیروز می‌گردد و کسی که آن را ضایع کند، به هلاکت می‌افتد»^۲.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۸.

۲. عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم، ص ۴۵۷، ح ۱۰۸۷۰.

مقام معظم رهبری درباره آینده‌نگری امام خمینی علیه‌السلام در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر در بهمن ۱۳۷۷ بیان می‌دارند: «مردی بودند بسیار هوشمند و آینده‌نگر. هوشمندی امام، آینده‌نگری امام و قدرت تشخیص قدم‌های بعدی در امام بسیار بالا بود. ایشان پیگیر و خستگی‌ناپذیر بودند».^۱

۴. سازش‌ناپذیری

امام خمینی علیه‌السلام از جمله افراد نادری بود که با صلابت و استواری در برابر همه کژی‌ها و انحراف‌ها ایستاد و سر سوزنی از صراط مستقیم الهی فاصله نگرفت. خشونت دشمن، تبسم دوست و دوچهره‌گی منافق، هرگز در بینش نافذ او اثر نکرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی سازش‌ناپذیری امام علیه‌السلام را این‌گونه شرح می‌دهد که آن حضرت به محض ورود به کشور، همه خطوط سیاست جمهوری اسلامی را روشن کرد و اعلام نمود حکومت تشکیل خواهد داد؛ در حالی که آن روزها هنوز رژیم شاهنشاهی، مجلس فرمایشی، ارتش شاهنشاهی و ادارات دولتی بودند. در همان روز نیز اعلام کرد سیاست استعماری و سلطه‌گری آمریکا در منطقه تمام شد.^۲

قاطعیت امام علیه‌السلام فقط در مقابل امریکا، رژیم شاه و دشمن بعثی خلاصه نمی‌شد، بلکه ایشان نفوذی‌ها، منافقان، متحجران و مقدس‌مآبان را نیز به خوبی می‌شناخت و چهره آنها را آشکار می‌کرد. جمله معروف آن حضرت که «من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ‌کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب‌الله اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است»^۳، نشان از سازش‌ناپذیری آن حضرت داشت. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «زمانی ایشان ناراحتی قلبی پیدا کردند؛ ما به‌شدت نگران بودیم. وقتی خدمت‌شان رسیدیم، ایشان در آن وضعیت ما را به پایداری در این راه سفارش کردند و فرمودند: قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید **أَشِدَّاءُ عَلٰی**

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خاطرات و حکایت‌ها، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۶.

الْكَفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ^۱ و اگر با هم باشید، هیچ کس نمی تواند به شما آسیبی برساند^۲. سازش ناپذیری می تواند خود را در قالب شجاعت در برابر خواسته های دشمن و زیاده خواهی های او نیز بروز دهد. امام علیه السلام از شجاعت و صف ناپذیری در برابر دشمن برخوردار بود و با همین خصلت بزرگ در برابر همه ناملازمات با قامتی به استواری کوه می ایستاد. این جمله امام که «والله، تا حالا نترسیده ام»، نشان از شجاعت و صف ناپذیر مردی بزرگ است که روزگار به داشتن چنین انسانی به خود افتخار می کند. حضرت امام خامنه ای اعتقاد دارند شجاعت امام نه تنها دوستان را شیفته آن حضرت، بلکه دشمنان را نیز به ستایش واداشت. روح شجاعی که امام در مسلمان و ملت ها دمید، سبب شکسته شدن ابهت ابرقدرت ها شد. ایشان شجاعت امام علیه السلام را این گونه ترسیم می نماید: «او بت ها را شکست و باورهای شرک آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی وارزیستن، افسانه نیست. او به ملت ها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه سلطه گران انداختن ممکن است^۳». مقام معظم رهبری در بیانات خود در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام در خرداد ۱۳۹۸ می فرمایند:

یک خصوصیت از خصوصیات ناب امام خمینی علیه السلام "مقاومت" است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوت ها امام مقاومت خودش را به رخ همه دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی ها خسته شدند، خیلی ها مشرف به ناامیدی شدند؛ اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذره ای عقب نشینی در راه مبارزه ایستاد که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه جانبه تر در

۱. فتح: ۲۹.

۲. سید علی حسینی خامنه ای، حدیث ولایت (مجموعه ای بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی)، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳. سید علی حسینی خامنه ای، پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۳، در:

مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد.^۱

این بیان نشان از مقاومت امام علیه السلام در زیاده‌خواهی‌هایی بود که دشمنان داشتند و امام علیه السلام ذره‌ای حاضر به عقب‌نشینی از اصول و مبانی خود نشدند.

۵. جدایی‌ناپذیری دین و سیاست

یکی از محورهای اصلی تبلیغاتی استعمارگران در قرون اخیر، طرح «جدایی دین از سیاست» بوده است. آنها با استفاده از تبلیغات دروغین، کوشیده‌اند دین اسلام را از حوزه سیاست جدا کنند. این تبلیغات شامل اتهام تحجر، عقب‌ماندگی و قدیمی‌بودن دین و همچنین ادعاهای بی‌ارتباط و جهل درباره دین مبین اسلام بوده است. این تفکر نه تنها توسط دشمنان اسلام و مروجان تفکر سلطه، بلکه توسط برخی مسلمانان هم رواج یافته است. این امر باعث ایجاد مشکلات اجتماعی و نابسامانی‌های فراوان در جوامع اسلامی شده است و آنان را از رسیدن به اهداف بلندشان که در گذشته صاحب فرهنگ و تمدن بودند، بازداشته است.

امام خمینی علیه السلام معتقدند دین نقش مهمی در زندگی انسان دارد و از جوانب مختلف شامل سعادت دنیا و آخرت، تعالیم مادی و معنوی و ... است. ایشان می‌کوشند تفکرات جدایی دین از سیاست را برطرف کنند و اسلام را از حوزه‌های علمیه به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی گسترش دهند. ایشان با دستیابی به فهم صحیح این امور، به ترویج ایده‌ها و اهداف جهانی دین و مباحثی مانند جامع‌بودن دین و ناتوانی رقیبان آن می‌پردازند. این اقدام‌ها به منظور احیای دین اسلام و پیشبرد اهداف آن انجام می‌شود.

در این راستا حضرت امام علیه السلام در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود به جنبه‌های این مهم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است، نمی‌تواند در عصر

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۳/۱۴، در:

حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه و شیطنت‌آمیز به گونه طرفداری از فداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته‌داری بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیاست و آن مخالف مسلک انبیای عظام است. و مع الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعض از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند! و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.^۱

مقام معظم رهبری درباره این مبنای امام^{علیه السلام} به بیان خاطره‌ای در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی^{علیه السلام} در سال ۱۳۸۴ می‌پردازند که نشان‌دهنده این مبنای سیاسی امام^{علیه السلام} است. ایشان در این دیدار می‌فرمایند:

بنده می‌خواستم در یکی از مجامع بین‌المللی شرکت کنم. مطالبی فراهم کرده بودم، بردم خدمت ایشان [امام^{علیه السلام}] دادم. معمولاً اگر می‌خواستم در جایی نطقی داشته باشم، می‌دادم ایشان نگاهی بکنند. ایشان مطالب سخنرانی من را نگاه کردند و بعد از دو - سه روز آن را به من برگرداندند و در حاشیه‌اش چند نکته نوشته بودند؛ یکی از آنها این بود که راجع به عدم تفکیک دین از سیاست هم در آنجا صحبت کنید. من اول تعجب کردم. در عین حال رفتم چند صفحه درباره همین نکته نوشتم و به متن سخنرانی اضافه کردم. در آن اجتماع بین‌المللی حدود صد کشور شرکت داشتند. من این متن را در آنجا خواندم و خودم ملتفت شدم که نقطه اساسی و اصلی و جذاب نطق که برای همه آنها تازه و مهم بود، همین قسمت بود؛ درحالی‌که مثلاً فکر می‌کردم بقیه مطالب چون لفظ و معنای آن سنجیده انتخاب شده، قشنگ‌تر است؛ اما بعد دیدم این قسمت مهم‌تر بوده است. اینکه انسان در منبرهای درجه یک جهان روی عدم تفکیک دین از سیاست متمرکز شود، یعنی درست سر اصل مطلب رفته است. کسانی هستند که از

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۴ - ۴۰۵.

دهان دشمن حرف می‌زنند؛ "وان كان التَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ ابْلِيسَ". عده‌ای در داخل کشور ما راجع به جدایی دین از سیاست قلم‌فرسایی می‌کنند. چند قرن در کشور ما جدایی دین از سیاست، یک واقعیت بوده است؛ امام آمد این ورق را برگرداند و در دنیا این فکر را فریاد کرد.^۱

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، قم: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۵.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۱.
۳. پاک‌نیا، عبدالکریم، «امام خمینی علیه‌السلام از منظر دانشمندان جهان»، مبلغان، ش ۲۹، ۱۳۸۱.
۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی، ۱۳۷۵.
۵. _____، خاطرات و حکایت‌ها، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۰.
۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۰.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸.
۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، [بی تا].

سایت

سایت مقام معظم رهبری

<https://farsi.khamenei.ir>.

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی علیه‌السلام، در: ۱۳۸۴/۳/۱۰.